عوامل سلب توفیق

محمود صحرایی

بسم الله الرحمن الرحیم

عوامل سلب توفیق

نویسنده:

محمود صحرایی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵

عوامل سلب توفیق ----- ۱۱

مشخصات کتاب ----- ۱۱

اشاره ----- ۱۱

فهرست مطالب ----- ۱۳

دیباچه ----- ۲۱

پیش گفتار ----- ۲۳

فصل اول: کلیات ----- ۲۵

اشاره ----- ۲۵

بیان موضوع ----- ۲۵

اهداف کلی ----- ۲۶

ضرورت پرداختن به موضوع ----- ۲۶

پرسش ها ----- ۲۷

پیش فرض ها ----- ۲۷

فرضیه ها ----- ۲۷

پیشینه تحقیق ----- ۲۷

تعریف واژه ها ----- ۲۹

ابعاد بحث ----- ۳۰

کاربرد در صدا و سیما ----- ۳۰

فصل دوم: زمینه های سلب توفیق ----- ۳۱

اشاره ----- ۳۱

۱. زمینه های درونی ----- ۳۱

اشاره ----- ۳۱

الف) امیال طبیعی ----- ۳۱

ب) وسوسه های شیطانی ---- ۳۲
ج) وراثت ---- ۳۴
۲. زمینه های بیرونی ---- ۳۵
اشاره ---- ۳۵
الف) خانواده ---- ۳۵
ب) دوستان ---- ۳۷
ج) اجتماع ---- ۳۷
فصل سوم: عوامل مشترک سلب توفیق ---- ۳۹
اشاره ---- ۳۹
۱. عوامل فردی ---- ۳۹
اشاره ---- ۳۹
الف) جهل ---- ۳۹
ب) بی نظمی ---- ۴۲
اشاره ---- ۴۲
آثار بی نظمی ---- ۴۳
اشاره ---- ۴۳
یک ـ اتلاف سرمایه ها ---- ۴۳
دو ـ کمبود وقت ---- ۴۳
سه ـ اضطراب درون ---- ۴۵
ج) سستی و تنبلی ---- ۴۶
د) افراط و تفریط ---- ۴۸
هـ) ناامیدی ---- ۵۰
اشاره ---- ۵۰
انواع ناامیدی ---- ۵۰
اشاره ---- ۵۰
یک ـ ناامیدی از رحمت الهی ---- ۵۰

دو ـ ناامیدی از دیگران ---- ۵۲
سه ـ ناامیدی از خود ---- ۵۳
۲. عوامل اجتماعی ---- ۵۳
اشاره ---- ۵۳
الف) مدیریت نالایق ---- ۵۳
ب) وابستگی به بیگانگان ---- ۵۵
ج) ناامنی و بی ثباتی ---- ۵۷
فصل چهارم: عوامل اختصاصی سلب توفیق ---- ۵۹
اشاره ---- ۵۹
۱. عوامل فردی ---- ۵۹
اشاره ---- ۵۹
الف) عوامل سلب ایمان ---- ۵۹
اشاره ---- ۶۰
یک ـ روی گردانی از خدا (گناه) ---- ۶۱
دو ـ دروغ ---- ۶۳
سه ـ تکبر ---- ۶۴
چهار ـ حسد ---- ۶۶
پنج ـ شراب خواری ---- ۶۷
شش ـ هم نشینی با هواپرستان و پیروی از آنان ---- ۶۹
ب) علل محروم ماندن از لذت عبادت ---- ۷۱
اشاره ---- ۷۱
یک ـ دنیادوستی ---- ۷۱
دو ـ پرگویی ---- ۷۲
سه ـ پرخوری ---- ۷۲
چهار ـ گناه ---- ۷۳
ج) عوامل محروم ماندن از نماز ---- ۷۳

اشاره ۷۳
یک _ انکار معاد ۷۳
دو _ هم نشینی با دوستان ناباب ۷۵
سه _ روش های غیرتربیتی ۷۶
اشاره ۷۶
درسی از حضرت امام رحمه الله ۷۶
حکایتی از حجت الاسلام قرائتی ۷۶
د) عوامل محروم ماندن از نماز شب ۷۹
اشاره ۷۹
یک _ گناه روزانه ۸۰
ه_) عوامل سلب توبه ۸۱
اشاره ۸۱
یک _ تأخیر توبه ۸۲
دو _ تظاهر به توبه ۸۴
و) عوامل محروم ماندن از انس با قرآن ۸۵
اشاره ۸۵
یک _ دنیاگرایی ۸۵
دو _ جهل به جایگاه قرآن ۸۶
سه _ عمل نکردن به قرآن ۸۷
ز) علل بی توفیقی در استجابت دعا ۸۷
اشاره ۸۷
یک _ بی توجهی به شرایط و آداب دعا ۸۸
دو _ گناه ۸۹
سه _ حرام خواری ۸۹
چهار _ ناپاکی دل ۹۱
پنج _ ناهماهنگی با حکمت و سنّت الهی ۹۲

ح) عوامل سلب اخلاص ---------- ۹۲
اشاره ---------- ۹۲
یک _ اندیشه های منحرف و ضعیف ---------- ۹۳
دو _ انگیزه های انحرافی و ناپاک ---------- ۹۴
ط) اسباب سلب عفت ---------- ۹۵
اشاره ---------- ۹۵
یک _ غفلت از حضور خدا ---------- ۹۶
دو _ محیط های آلوده ---------- ۹۷
سه _ نگاه های حرام ---------- ۹۷
چهار _ غنا و موسیقی حرام ---------- ۹۸
ی) عوامل محروم ماندن از شفاعت ---------- ۹۸
اشاره ---------- ۹۸
یک _ شرک و ظلم ---------- ۹۹
دو _ دشمنی با اهل بیت(ع) ---------- ۱۰۰
سه _ سبک شمردن نماز ---------- ۱۰۰
۲. عوامل اجتماعی سلب توفیق ---------- ۱۰۱
اشاره ---------- ۱۰۱
الف) علل ناکامی در روابط جمعی ---------- ۱۰۲
اشاره ---------- ۱۰۲
یک _ خودمحوری ---------- ۱۰۲
دو _ بدرفتاری و ترش رویی ---------- ۱۰۴
سه _ بی عدالتی ---------- ۱۰۵
ب) عوامل بی توفیقی در تربیت خانواده ---------- ۱۰۵
اشاره ---------- ۱۰۵
یک _ احساس بی مسئولیتی والدین ---------- ۱۰۶
دو _ بی برنامگی و روش های نادرست ---------- ۱۰۶

سه ـ حرام خواری ----- ۱۰۸
چهار ـ آلودگی محیط خانه ----- ۱۰۹
ج) علل ازدواج های ناموفق ----- ۱۰۹
اشاره ----- ۱۰۹
یک ـ ناهمگونی ----- ۱۱۰
اشاره ----- ۱۱۰
ازدواجی نامبارک ----- ۱۱۱
دو ـ بی دینی ----- ۱۱۱
سه ـ نابخردی ----- ۱۱۳
چهار ـ بی توجهی به وظایف ----- ۱۱۳
کتاب نامه ----- ۱۱۵
درباره مرکز ----- ۱۱۹

عوامل سلب توفیق

مشخصات کتاب

سرشناسه: صحرایی، محمود، ۱۳۵۰ -

عنوان و نام پدیدآور: عوامل سلب توفیق / محمود صحرایی ؛ [تهیه کننده] مرکز پژوهش های صدا و سیما.

مشخصات نشر: قم: دفتر عقل، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۸۹ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۶۳-۱۳-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۸۶] - ۸۹.

موضوع: شکست (روان شناسی) -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع: اخلاق اسلامی

موضوع: Failure (Psychology) -- Religious aspects-- Islam

شناسه افزوده: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش های اسلامی

رده بندی کنگره: ۱۳۸۸ ۹ع۳ص/۶۵/۲۳۲ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۸۵

شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۸۶۷۱۰

ص:۱

اشاره

عوامل سلب توفیق

کد: ۱۴۶۷

نویسنده: محمود صحرایی

ویراستار: جعفر زهیری

ناشر: دفتر عقل

تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۸

شمارگان: ۱۴۰۰

بها: ۱۱۰۰۰ ریال

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش¬های اسلامی صدا و سیما

تلفن: ۲۹۱۹۶۷۰ _ ۰۲۵۱ دورنگار: ۲۹۱۵۵۱۰

تهران: خیابان جام جم، ساختمان شهید رهبر، طبقه زیرزمین

تلفن: ۲۲۰۱۴۷۳۸ نمابر: ۲۲۱۶۴۹۹۷

info@irc.ir www.irc.ir

شابک: ۹-۱۳-۵۵۶۳-۶۰۰- ۹۷۸ / ۹-۱۳-۵۵۶۳-۶۰۰-۹۷۸ :ISBN

ص:۳

فهرست مطالب

دیباچه۱

پیش گفتار۳

فصل اول: کلیات۵

بیان موضوع۵

اهداف کلی۵

ضرورت پرداختن به موضوع۵

پرسش ها۶

پیش فرض ها۶

فرضیه ها۶

پیشینه تحقیق۶

تعریف واژه ها۷

ابعاد بحث۸

کاربرد در صدا و سیما۸

فصل دوم: زمینه های سلب توفیق۹

۱. زمینه های درونی۹

الف) امیال طبیعی۹

ب) وسوسه های شیطانی۱۰

ج) وراثت۱۲

۲. زمینه های بیرونی[۱۳]

الف) خانواده۱۳

ب) دوستان۱۵

ج) اجتماع۱۵

فصل سوم: عوامل مشترک سلب توفیق۱۷

۱. عوامل فردی۱۷

الف) جهل۱۷

ب) بی نظمی۲۰

یک _ اتلاف سرمایه ها۲۱

دو _ کمبود وقت۲۱

سه _ اضطراب درون۲۲

ج) سستی و تنبلی۲۳

د) افراط و تفریط۲۵

ه_) ناامیدی۲۷

یک _ ناامیدی از رحمت الهی۲۷

دو _ ناامیدی از دیگران۲۸

سه _ ناامیدی از خود۲۹

۲. عوامل اجتماعی۲۹

الف) مدیریت نالایق۲۹

ب) وابستگی به بیگانگان۳۱

ج) ناامنی و بی ثباتی۳۳

فصل چهارم: عوامل اختصاصی سلب توفیق۳۵

۱. عوامل فردی۳۵

الف) عوامل سلب ایمان۳۵

یک ــ روی گردانی از خدا (گناه)۳۶

دوــ دروغ۳۸

سه ــ تکبر۳۹

چهار ــ حسد۴۱

پنج _ شراب خواری۴۲

شش _ هم نشینی با هواپرستان و پیروی از آنان۴۴

ب) علل محروم ماندن از لذت عبادت۴۶

یک _ دنیادوستی۴۶

دو _ پرگویی۴۷

سه _ پرخوری۴۷

چهار _ گناه۴۸

ج) عوامل محروم ماندن از نماز۴۸

یک _ انکار معاد۴۸

دو _ هم نشینی با دوستان ناباب۴۹

سه _ روش های غیرتربیتی ۵۰

د) عوامل محروم ماندن از نماز شب۵۲

یک _ گناه روزانه۵۳

ه_) عوامل سلب توبه۵۴

یک _ تأخیر توبه۵۵

دو _ تظاهر به توبه۵۷

و) عوامل محروم ماندن از انس با قرآن۵۸

یک _ دنیاگرایی۵۸

دو _ جهل به جایگاه قرآن۵۹

سه ـ عمل نکردن به قرآن ۶۰

ز) علل بی توفیقی در استجابت دعا ۶۰

یک ـ بی توجهی به شرایط و آداب دعا ۶۱

دو ـ گناه ۶۲

سه ـ حرام خواری ۶۲

چهار ـ ناپاکی دل ۶۳

پنج ـ ناهماهنگی با حکمت و سنّت الهی ۶۴

ح) عوامل سلب اخلاص ۶۴

یک ـ اندیشه های منحرف و ضعیف ۶۵

دو ـ انگیزه های انحرافی و ناپاک ۶۶

ط) اسباب سلب عفت۶۷

یک _ غفلت از حضور خدا۶۸

دو _ محیط های آلوده۶۹

سه _ نگاه های حرام۶۹

چهار _ غنا و موسیقی حرام۷۰

ی) عوامل محروم ماندن از شفاعت۷۰

یک _ شرک و ظلم۷۱

دو _ دشمنی با اهل بیت(ع)۷۲

سه _ سبک شمردن نماز۷۲

۲. عوامل اجتماعی سلب توفیق۷۳

الف) علل ناکامی در روابط جمعی۷۴

یک _ خودمحوری۷۴

دو _ بدرفتاری و ترش رویی۷۵

سه _ بی عدالتی۷۶

ب) عوامل بی توفیقی در تربیت خانواده۷۶

یک _ احساس بی مسئولیتی والدین۷۷

دو _ بی برنامگی و روش های نادرست۷۷

سه _ حرامخواری۷۹

چهار _ آلودگی محیط خانه۸۰

ج) علل ازدواج های ناموفق ۸۰

یک _ ناهمگونی ۸۱

دو _ بی دینی ۸۲

سه _ نابخردی ۸۴

چهار _ بی توجهی به وظایف ۸۴

کتاب نامه ۸۶

دیباچه

دیباچه

از جمله درخواست های معصومین(ع) و بزرگان دین از خداوند، توفیق انجام کارهای نیک و ترک گناه است. در دعای شب های دهه آخر ماه رمضان از معصومین(ع) چنین نقل شده:

وَالتَّوفیقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَ آله صَلَواتُک عَلَیْهِم اَجمعینَ.(۱)

خدایا، توفیق انجام کارهایی را که محمد صلی الله علیه و آله و خاندان او را به آن موفق کردی، به ما عطا فرما.

چه بسا انسان به کاری رغبت کامل دارد، ولی می بیند انجام آن کار برای او میسر نیست، هر چند اسباب ظاهری آن هم فراهم است. بنابراین، انجام عمل علاوه بر اسباب ظاهری به توفیق از ناحیه خداوند نیز نیاز دارد. سنایی غزنوی می گوید:

جهد بر توست و بر خدا توفیق

ز آنکه توفیق جهد راست رفیق

این پژوهش می کوشد عواملی را که موجب سلب توفیق می شود، بررسی کند و مطالب و محورهای برنامه ای را در اختیار برنامه سازان قرار دهد.

۱- شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۶۱.

از پژوهشگر ارجمند، جناب آقای محمود صحرایی سپاس گزاریم که این پژوهش را به سرانجام رسانده است. با امید اینکه این اثر برای برنامه سازان ارجمند سودمند باشد.

و من الله التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش گفتار

پیش گفتار

وَ ما تَوْفیقی إِلاّ بِاللّهِ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ إِلَیْهِ أُنیبُ. (هود: ۸۸)

و توفیق من جز به]یاری[خدا نیست، بر او توکل کرده ام و به سوی او بازمی گردم.

چه بسیارند، افرادی که سال ها کوشید ه اند، اما از تلاش خویش نتیجه ای نگرفته اند و چه زیادند، کارهایی که با دقت فراوان همراه بوده انـد، ولی هرگز به اهداف خود نرسیده اند. به راستی چرا عده ای با اندکی تلاش به بالندگی و کمال رسیده اند و گروهی با تلاشی بیشتر چنـدان پیشرفت نمی کننـد؟ عامل پیشروی و ارتقایی که گروه دوم از آن بی بهره انـد، کـدام است؟ سعدی این پرسش را چه زیبا پاسخ می دهد:

چو آید به کوشیدنت خیر پیش

به توفیق حق دان نه از سعی خویش

تو قائم به خود نیستی یک قدم

ز غیبت مدد می رسد دم به دم(۱)

آری، آخرین و مهم ترین عـاملی که موجب هم کنـاری اسباب و تـأثیر شـگرف علت هـا می شود، توفیق الهی است. توفیق به معنای موافق و مماثل قراردادن اسباب برای رسیـدن به هدفی واحد است(۲) و به همین علت است که گفته می شـود: «التوفیقُ عنایهُ الرَّحمن؛ توفیق همان توجه پروردگار است».(۳)

۱- مصلح بن عبدالله سعدی، کلیات سعدی، تحقیق: محمدعلی فروغی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵، چ ۵، ص ۳۶۵.

۲- حسن مصطفوی، تفسیر روشن، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰، چ ۱، ج ۱۱، ص ۲۸۵.

۳- محمد محمدی ری شـهری، میزان الحکمه، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۳، چ ۴، ج ۱۴، ص ۶۹۵۰، ح ۲۲۲۲۰.

مسلّم است که هیچ کس جز او یارای هماهنگ سازی اسباب را ندارد و این، همان معنای «اذن» در قرآن است، آنجا که حضرت عیسی(ع) می فرماید: «وَ أُبْرِئُ ٱلْأَکْمَهَ وَ ٱلْأَبْرَصَ وَ أُحْیِ الْمَوْتی بِإِذْنِ اللّهِ؛ و به اذن خدا نابینای مادرزاد و پیس را بهبود می بخشم و مردگان را زنده می گردانم». (آل عمران: ۴۹)

در جای دیگر نیز آمده است: «مَنْ ذَاالّذی یَشْفَعُ عِنْدَهُ إلاّ بِإِذْنِهِ؛ کیست آن کس که جز به اذن او در پیشگاهش شفاعت کند؟» (بقره: ۲۵۵)

تأثیر گیاه دارویی بر درمان، هرگز بدون اراده و اذن خدا نیست و اگر پیامبری شفاعت و دستگیری می کند، بی گمان، با اذن پروردگار است. اگر آتش می سوزاند، بدون اذن الهی نیست؛ چراکه اگر اذن او نباشد، بر ابراهیم خلیل(ع) سرد و سبز نمی شود. براین اساس، هیچ کار و تدبیری بدون توفیق خداوند انجام نمی شود.

و گر توفیق او یک سو نهد پای

نه از تدبیر کار آید نه از رای(۱)

شناخت عوامل توفیق و «بی توفیقی»، برابر با شناخت عمر انسان، ارزشمند است؛ چراکه در این صورت می توان از عمر خود به خوبی و در نهایت سودمندی، استفاده کرد.

سلب توفیق عوامل ویژه ای دارد که از خود انسان ناشی می شود وگرنه خدای مهربان در رحمت ورزی خویش هیچ بُخلی نمی ورزد:

ما أَصابَکَ مِنْ حَسَنَهٍ فَمِنَ اللّهِ وَ ما أَصابَکَ مِنْ سَیِّئَهٍ فَمِنْ نَفْسِک.(نساء:۷۹)

هرچه از خوبی ها به تو رسد، از جانب خداست و آنچه از بدی به تو رسد، از خود توست... .

آنچه در این میان مهم است، شناخت عوامل بازدارنده انسان از دست یابی به این گوهر گران بها است. با تکیه بر خداوند حکیم، این مجموعه بر آن است افکار و اعمال و اوصافی را که مانع توفیق در امور یا امر خاصی می شوند، بررسی کند.

۱- وحشی بافقی، دیوان اشعار، ویراسته: حسین نخعی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۳، چ۴، فرهاد و شیرین، ص ۴۹۵.

فصل اول: کلیات

اشاره

فصل اول: کلیات

زیر فصل ها

بیان موضوع

اهداف کلی

ضرورت پرداختن به موضوع

پرسش ها

پیش فرض ها

فرضیه ها

پیشینه تحقیق

تعریف واژه ها

ابعاد بحث

کاربرد در صدا و سیما

بیان موضوع

بیان موضوع

کام یابی در فعالیت ها، به کسب شرایط لازم و از بین بردن موانع، وابسته است، به گونه ای که بی توجهی به هر یک، سبب سلب توفیق و ناکامی است. دراین میان، بسیاری از انسان ها شرایط لازم را فراهم می کنند، اما از موانع راه، غافل می مانند. در نتیجه، در فعالیت های خود شکست می خورند. این نوشتار می کوشد، با یادآوری این موانع و معرفی اجمالی راهکارهای اصلاحی آن، خوانندگان را در کسب توفیق های مادی و معنوی یاری کند.

اهداف کلی

اهداف کلی

۱. معرفی عوامل سلب توفیق.

۲. ارائه راهکارهای اصلاحی برای مبارزه با عوامل سلب توفیق.

ضرورت پرداختن به موضوع

ضرورت پرداختن به موضوع

چون بی بهرگی از توفیق های مادی و معنوی، زیان ها و خسارت های جبران ناپذیری را در پی دارد، شناخت عوامل و اسباب سلب توفیق و راه های دفع آنها، پیش از هر اقدامی ضروری به نظر می رسد.

پرسش ها

پرسش ها

۱. علت یا علت های ناکامی برخی از انسان ها چیست؟

۲. آیا سلب توفیق از افراد، می تواند علل و اسباب مشترکی داشته باشد؟

۳. عوامل ویژه سلب توفیق فکری، روحی و رفتاری چیست؟

۴. راهکارهای اصلاحی برای دفع و برطرف سازی عوامل سلب توفیق چیست؟

پیش فرض ها

پیش فرض ها

۱. زندگی انسان، هدفمند و معنا دار است.

۲. هدف اصلی انسان، رسیدن به مقام قرب الهی است.

۳. انسان در اثربخشی به حرکت خود، نیازمند توفیق الهی است.

۴. ناکامی های انسان عواملی دارند که می توان آنها را شناخت و دفع کرد.

فرضیه ها

فرضیه ها

۱. رسیدن به نتیجه مطلوب (توفیق) موانعی دارد.

۲. موانع توفیق، به دو قسم مشترک و مختص تقسیم می شوند.

۳. عامل اصلی هر توفیقی، یاری و مدد الهی و علت اصلی سلب همه توفیق ها، قهر اوست.

پیشینه تحقیق

پیشینه تحقیق

بخش زیـادی از منابع موجود، به صورت پراکنـده، برخی از عوامل سـلب توفیق را مطرح و بیشتر به معرفی عوامل کسب توفیق در زمینه ای خاص، بسنده کرده اند.

برخی از این منابع عبارتند از:

۱. یکصد کلید موفقیت در آزمون ها، ماری ژوزف گورمولن، ترجمه: مینا علاء.

۲. یکصد کلید موفقیت در کار، ریچارد کارلسون، ترجمه: علی ابوطالبی.

۳. ۱۰ راز دستیابی به موفقیت و آرامش درون، وین دایر، ترجمه: علی ابوطالبی.

۴. ۷ قانون روحی برای موفقیت، دیپک چوپرا، ترجمه: جواد رسولی.

۵. آئین زندگی، دیل کارنگی، ترجمه: سوسن اردکانی.

۶. اسرار موفقیت، سید مرتضی مجتهدی سیستانی.

۷. رمز موفقیت بزرگان، رضا باقی زاده.

۸. کلید خوشبختی، عاطفه حجازی.

۹. قوانین طلایی موفقیت، علی محمدیان.

۱۰. راز موفقیت پیشگامان علم، سید فضل الله میرشفیعی خوانساری.

۱۱. توان بی پایان، دان آنتونی، ترجمه: محمدرضا آل یاسین.

۱۲. تکنولوژی موفقیت، حیدر محمدی.

تعریف واژه ها

تعریف واژه ها

ـ عوامل: جمع عامل، به معنای اثربخش است؛ خواه امری وجودی باشد یا عدمی. بنابراین، مقصود از عوامل سلب توفیق، هر امر وجودی یا عدمی است که سبب سلب توفیق می شود.

ـ سلب: «اَلْاِنْتِزاعُ مِنَ الْغَیرِ قَهراً؛ برگرفتن چیزی به صورت قهری از دیگری».(۱)

۱- لویس معلوف، المنجد فی اللغه، قم، نشر بلاغت، ۱۳۷۶، چ ۳، ص ۳۴۳.

منظور ما از سلب در اینجا هرگونه «برداشتن و جلوگیری» است. ازاین رو، مقصود از عوامل سلب توفیق، اعم از اموری است که از توفیق جلوگیری می کنند یا توفیق حاصل را برمی دارند.

_ توفیق: «تجمیع اسباب و هماهنگ ساختن آنها برای رسیدن به نتیجه».(۱)

ابعاد بحث

ابعاد بحث

۱. بررسی زمینه سازی عوامل سلب توفیق (ریشه یابی عوامل سلب توفیق).

۲. بررسی آثار روانی _ اجتماعی، عبادی و صنعتی سلب توفیق.

۳. راهکارهای تفصیلی برای جلوگیری و درمان سلب توفیق.

کاربرد در صدا و سیما

کاربرد در صدا و سیما

۱. معرفی عوامل بی توفیقی (عوامل شکست) در موضوع های گوناگون و در قالب های میزگرد، مصاحبه و فیلم کوتاه.

۲. پرداختن به انواع چهره های ناموفق (بزهکاران، اقوام، حاکمان، احزاب ناموفق) همراه با تحلیلی از علل سلب توفیق ایشان.

۳. پرداختن به چهره های موفق با تأکید بر اسباب موفقیت ایشان.

۱- سیدمحمد حسینی شیرازی، تقریب القرآن الی الاذهان، بیروت، دارالعلوم، ۱۴۲۴ه_ .ق، چ ۱، ج ۲، ص ۶۴۱.

فصل دوم: زمینه های سلب توفیق

اشاره

فصل دوم: زمینه های سلب توفیق

برخی امور که از زمینه های سلب توفیق (و نه عوامل و اسباب آن) هستند، تأثیر کمتری در سلب توفیق دارند و اختیار و اراده انسان با وجود این امور، سلب نمی شود. در واقع، این امور به تنهایی سبب سلب توفیق و کام یابی نیستند. این زمینه ها در صورت فراهم شدن شرایط، کم کم بارور و سبب سلب توفیق از انسان می شوند. زمینه های سلب توفیق را در دو دسته زمینه های درونی و زمینه های بیرونی می توان تقسیم کرد.

۱. زمینه های درونی

اشاره

۱. زمینه های درونی

منظور از زمینه های درونی، امور روحی، روانی و فکری انسان است که زمینه ساز انحراف از مسیر رسیدن به هدف و کسب توفیق هستند. مهم ترین این زمینه ها عبارتند از:

الف) امیال طبیعی

الف) امیال طبیعی

برخی از دانشمندان بر این باورند که درون انسان از نیروهای میل دهنده خالی است. آنها انسان را مانند لوح سفیدی می دانند که نقش پذیری آن تنها به عوامل خارجی وابسته است. واتسون، دورکیم و جان لاک از این دسته اند.(۱) نقطه مقابل ایشان دو گروه دیگر قرار دارند که برخی ذات انسان را شرور و عده ای ذات او را خیرخواه می انگارند.

۱- علی شریعتمداری، روان شناسی تربیتی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹، چ ۴، صص ۱۱۸ _ ۱۲۰.

حقیقت آن است که انسان دو بُعد جسمانی و روحانی دارد، از قوه ها، استعدادها و کشش هایی متضاد و درونی برخوردار است، امیال طبیعی که ویژگی بعد جسمانی انسان است، در صورت کنترل نشدن از سوی عقل و وجدان می توانند سبب فراهم شدن زمینه های سلب توفیق معنوی شوند. در برخی آیات قرآن کریم، انسان بدون اینکه عملی ناپسند انجام داده باشد، نکوهش می شود. مفسران، چنین آیاتی را ناظر به جنبه حیوانی و جسمانی او می دانند، مانند: «إِنّ اْلإنسانَ لَظَلُومٌ کَفّارٌ؛ قطعاً انسان ستم پیشه ناسپاس است.» (ابراهیم: ۳۴) «وَ کانَ اْلإِنسانُ عَجُولاً؛ و انسان همواره شتابزده است.» (اسراء: ۱۱) «إِنّهُ کانَ ظَلُومًا جَهُولاً؛ راستی او (انسان) ستمگری نادان است». (احزاب: ۷۲)

إِنّ اْلإِنسانَ خُلِقَ هَلُوعًا. إِذا مَسَّهُ الشّرُّ جَزُوعًا. وَ إِذا مَسَّهُ الْخَیْرُ مَنُوعًا. إِلاّ الْمُصَلِّینَ. (معارج: ۱۹ _ ۲۲)

به راستی انسان، سخت آزمند [و بی تاب] خلق شده است. چون صدمه ای به او رسد، عجز و لابه کند و چون خیری به او رسد، بخل ورزد؛ غیر از نماز گزاران.

جهل، عجله، بخل، بی صبری و تعدّی، از ویژگی های بُعد جسمانی انسان است و گاه بر اثر طغیان غرایز درونی او جلوه می یابد. بدیهی است خدای حکیم نیروهای مقابل آن را برای کنترل و هدایت این غرایز، در بعد روحانی انسان قرار داده است، اما بحث ما در این است که این امیال می توانند زمینه ساز ایستایی او از حرکت به سوی اهداف والا شوند و او را از توفیق کسب کمال بازدارند.

ب) وسوسه های شیطانی

ب) وسوسه های شیطانی

در فرهنگ قرآنی، شیطان موجودی واقعی و دشمنی آشکار و وسوسه گر برای انسان معرفی شده است که هرگز در مراحل نخست بر انسان تسلطی ندارد، بلکه تنها وسوسه می کند و وسوسه هایش در حد زمینه سازی انحراف و سلب توفیق معنوی است.

وَ لاتَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّیْطانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبینٌ. (بقره: ۱۶۸)

و از گام های شیطان پیروی مکنید که او دشمن آشکار شماست.

وَ لا یَصُدَّنَّکُمُ الشَّیْطانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبینٌ. (زخرف: ۶۲)

و مبادا شیطان شما را از راه به در برد، زیرا او برای شما دشمنی آشکار است.

إِنّ عِبادی لَیْسَ لَکَ عَلَیْهِمْ سُلْطانٌ إِلّا مَنِ اتَّبَعَکَ مِنَ الْغاوینَ. (حجر: ۴۲)

در حقیقت تو را بر بندگان من تسلطی نیست؛ مگر کسانی از گمراهان که تو را پیروی کنند.

فَلا تَلُومُونی وَ لُومُوا أَنْفُسَكُمْ ما أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَ ما أَنْتُمْ بِمُصْرِخِیّ إِنّی كَفَرْتُ بِما أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظّالِمینَ لَهُمْ عَذابٌ أَلیمٌ. (ابراهیم:۲۲)

من بر شما تسلطی نداشتم و فقط شما را می خواندم و شما هم مرا استجابت می کردید. پس خودتان را ملامت کنید نه مرا... .

بدین ترتیب، شیطان در ابتدا هیچ تسلطی بر بندگان خدا ندارد و اگر تسلطی پیدا کند، پس از فرمانبری از اوست. ازاین رو، وسوسه های او زمینه ساز گناه و سلب توفیق است.

بسیارند افرادی که بر اثر پیروی از وسوسه های شیطان به موفقیت نهایی دست نیافته اند. نقل است پس از آنکه امیرمؤمنان، علی(ع) در جنگ جمل کامیاب شد، بسیار گریه کرد؛ کاری که هیچ نظامیِ پیروزی پس از پایان جنگ نمی کند. از ایشان علت گریه را پرسیدند، فرمود:

اینان که اسلام را پذیرفتند، اهل نماز و روزه و عبادت بودند، باید به بهشت می رسیدند. دلم برایشان می سوزد که برخلاف حق به جنگ با امام خود برخاستند و از هوای نفس پیروی کردند و خویش را به عذاب ابدی دچار ساختند.(۱)

۱- حسین انصاریان، نظام خانواده در اسلام، قم، ام ابیها، ۱۳۷۵، چ ۴، ص ۴۴۷.

ج) وراثت

ج) وراثت

از دیـدگاه روان شـناسان و متخصـصان، وراثت به معنای انتقال بعضـی از ویژگی های جسـمی یا روحی والـدین یا خویشان به فرزندان است.(۱) بنـابراین، می توانـد زمینه ای برای کسب یـا سـلب توفیق باشـد. به این معنا که اگر برخی ویژگی های منتقل شـده به فرد، در رسـیدن به هـدف و کمـال او مؤثر باشـد، زمینه ای برای کسب توفیق و دست یابی به هـدف شـمرده می شود. برای مثال، فرزنـدی که از والـدینی بخشـنده متولد شده است،(۲) زمینـه ای از بخشـش در او به وجـود می آیـد که در دیگران نیست و اگر ویژگی های دریافت شده مانعی در راه رسیدن به کمال باشند، علاوه بر آنکه فرزند از داشتن زمینه های مثبت بی بهره می مانـد، زمینه بسیاری از انحراف هـا نیز می شود. ازاین رو، احتمال سـلب توفیقِ این فرزنـد بیشتر خواهـد بود و البته در تمام موارد، اختیار از او سلب نمی شود.

اصـل وراثت به صورت کلی در آیات و روایات اسـلامی نیز مورد تأییـد است. در قرآن کریم می خوانیم که حضـرت نوح(ع) هنگام نفرین قوم خود، خطاب به خدای سبحان چنین گفت:

وَ قـالَ نُوحٌ رَبِّ لا تَـذَرْ عَلَی الْأَرْضِ مِنَ الْکافِرِینَ دَیّارًا. إِنَّکَ إِنْ تَـذَرْهُمْ یُضِلّوا عِبادَکَ وَ لا یَلِدُوا إِلّا فاجِرًا کَفّارًا. (نوح: ۲۶ و ۲۷)

و نوح گفت: پروردگارا، هیـچ کس از کافران را بر روی زمین مگذار؛ چراکه اگر تو آنان را باقی گذاری؛ بندگانت را گمراه می کنند و جز پلیدکار ناسپاس نزایند.

ناگفته نمانـد که آیه فوق تفاسـیر دیگری غیر از دلالت بر اصل وراثت نیز دارد که در کتاب های تفسـیری معتبر موجود است. همچنین می توان اصل وراثت را از این آیه فهمید:

۱- روان شناسی تربیتی، ص ۵۸.

۲- قابـل توجه اینکه براسـاس تحقیقات روان شـناسان، انتقال صـفات روحی، همیشـگی و همگانی نیست. (نک: روان شناسـی تربیتی، صص ۶۵ _ ۷۹).

وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَباتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ الَّذی خَبُثَ لا يَخْرُجُ إِلّاَ نَكِدًا. (اعراف: ۵۸)

و زمین پاک [و آماده]، گیاهش به اذن پروردگارش برمی آیـد و آن [زمینی] که ناپاک [نامناسب] است [گیاهش] جز انـدک و بی فایده برنمی آید.

هماهنگی و هم گونی زمین بـا آنچه از آن رویانیـده می شود، می توانـد مصـادیقی در طبیعت و حیوانـات و حتی انسان ها نیز داشته باشد.

۲. زمینه های بیرونی

اشاره

۲. زمینه های بیرونی

سبب بسیاری از ناکـامی هـای انسـان را بایـد بیرون از ذات او جست وجو کرد. علت برخی از این بی توفیقی هـا ممکن است ناشـی از عوامـل طبیعی یـا دسـتاوردها و اعمال دیگران یا فضای حاکم بر محیط باشـد. بررسـی تمام زمینه های بیرونی به علت گستردگی آنها از عهده این کتاب خارج است. ازاین رو، در اینجا به سه عنوان کلی که هر یک می تواند مجموعه ای از زمینه ها را در خود جای دهد، اشاره می کنیم.

الف) خانواده

الف) خانواده

خانواده، اولین و مهم ترین محیط زمینه ساز رشد و تربیت یا رکود و انحراف افراد است. اثرگذاری والدین بر فرزندان، به جنبه هـای ارثی محـدود نیست، بلکه افکـار و رفتـار ایشـان در خـانواده زمینه هـایی پایـدار و اساسـی را در رفتـار بچه هـا ایجاد می کند.(۱)

خـانواده ای که خـالی از مهر و محبت باشـد و فضایـل اخلاـقی و ارزش هـای دینی، در آن رعایت نشود، زمینه های انحراف و نـاآرامی روحی را در فرزنـدان خویش بنیـان می نهـد. در مقابـل، خـانواده ای که اهل فضل و تقواست، دست یابی به کمال و کسب توفیق را برای فرزندان خویش آسان تر می سازد. در حکایتی آمده است:

۱- روان شناسی تربیتی، ص ۱۹۳.

پدر شیخ عبدالکریم حائری یزدی رحمه الله پانزده سال از داشتن فرزند بی بهره بود و این امر وی را بسیار اندوهناک می کرد. او قصاب بود و این شغل، سرگرمش نمی کرد. روزی همسر باکرامتش به او گفت: «شاید من در بچه دار نشدن تو ناتوانم. تحمل رنج تو برایم مشکل است. از نظر من ازدواج مجدد اشکالی ندارد.» پس از مدتی همسرش، بیوه جوانی را که دختربچه ای سه ساله از شوهرش داشت، برایش خواستگاری کرد و عقد صورت گرفت. شب زفاف، هنگام خلوت کردن داماد و عروس، دختربچه عروس از مادر جدا نمی شد. وقتی خاله اش او را جدا نمود، ناله دخترک بلند شد. با شنیدن صدای بچه یتیم، لرزه ای به اندام پدر شیخ عبدالکریم افتاد و به او گفت: «من تحمل ناله یتیم را ندارم. بچه دار شدن تو امکان آزار به این یتیم را افزایش می دهد. من از خیر این ازدواج گذشتم.» سپس مهر زن را پرداخت و به خانه اش برگشت.

همان شب خدای متعال فرزندی بافضیلت و پربرکت به ایشان بخشید. این فرزند همان عبدالکریم حائری یزدی بود که بعدها حوزه علمیه قم را بنا نهاد و به مقام مرجعیت رسید.(۱)

آری کرامت و فضیلت و انصاف پدر، چنان زمینه های قوی را برای فرزند فراهم کرد که پسر مردی معمولی و قصاب، حوزه علمیه قم را تأسیس کرد.

تولد و رشد فرزند در خانواده ای که به دین پای بند نیست، سبب بی توفیقی او در عبادت و خودسازی خواهد شد، به ویژه اگر بنیان خانواده بر رعایت نکردن احکام شرعی در مسائل مالی بنا نهاده شده باشد.

لقمه حرام چنان زمینه گناه و آلودگی را فراهم می کند که اصلاح آن تلاشی بسیار جدی و عنایت ویژه الهی می طلبد، بنابراین، در همه این حالت ها نیز اختیار از انسان سلب نمی شود.

۱- نظام خانواده در اسلام، صص ۴۵۳ و ۴۵۴.

ب) دوستان

ب) دوستان

دوستان آدمی در نخستین مراحل زندگی، در انتخاب راه و روش زندگی نقش دارند. کم کم با تقویت رابطه و استواری دوستی، به عامل و سببی قوی و تعیین کننده در امر تربیت تبدیل می شود. ازاین رو، باید در انتخاب دوست و دوستان، بسیار دقیق بود.

چه بسیارند انسان های پاک و بااستعدادی که تنها در اثر ارتباط با دوستان نامناسب و نادان، زمینه سلب توفیق و محروم ماندن علمی و معنوی در آنان فراهم شده است. نمونه های فراوانی از این دسته از جوانان در جامعه امروزی، دیده می شود. فراوانند ورزشکارانی که در دام اعتیاد اسیرند و بر اثر دوستی های نافرجام، همه هستی و قدرت مندی خود را تباه کرده اند. و نیز چه بسا استعدادهای درخشانی که در محیط های ناسالم آموزشی، با شرکت در جشن های منحرف کننده و ارتباط با دوستان گمراه، از حرکت تکامل علمی خود بازمانده و با مشکلات روحی، خانوادگی و اجتماعی فراوانی روبه رو شده اند.

ج) اجتماع

ج) اجتماع

سومین عامل زمینه ساز جلب یا سلب توفیق، محیط اجتماع است. درصد بالایی از افراد ساکن در محیط های آلوده، آلوده خواهند شد و بیشتر افرادی که در محیط های اجتماعی سالم رشد می کنند، پاک می مانند. بدیهی است در هر یک از این موقعیت ها، موارد متفاوتی وجود دارد که خود، نشانه اختیار انسان در هر شرایط و نیز زمینه بودن محیط در امر تربیت (و نه عامل بودن آن) می باشد.

در یک تحقیق میدانی، که توسط نگارنده صورت گرفت، مشخص شد که افراد زیادی از جوانان متدین، زمانی که وارد محیط های اجتماعی ناسالم می شوند، دچار مشکل شخصیت زدگی می شوند و برای همسان

کردن خود با این محیط های آلوده به شدت متأثر می شوند. بنابراین، برای جلوگیری از سلب توفیق باید در پاک سازی محیط های اجتماعی تلاش ویژه ای کرد و از قرار گرفتن در محیط های آلوده و نابه هنجار پیش گیری شود. توصیه قرآن کریم در چنین مواردی هجرت از محیط های نامساعد به محیط های پاک است.

إِنّ الّذینَ تَوَفّاهُمُ الْمَلائِکَهُ ظالِمی أَنْفُسِهِمْ قالُوا فیمَ کُنْتُمْ قالُوا کُنّا مُسْتَضْعَفینَ فِی الْأَرْضِ قالُوا أَ لَمْ تَکُنْ أَرْضُ اللّهِ واسِعَهً فَتُهاجِرُوا فیها فَأُولئِکَ مَأْواهُمْ جَهَنّمُ وَ ساءَتْ مَصیرًا. (نساء: ۹۷)

کسانی که بر خویشتن ستم کار بوده اند [وقتی] فرشتگان جانشان را می گیرند می گویند: «در چه حال بودید؟ پاسخ می دهند: ما در زمین از مستضعفان بودیم. می گویند: مگر زمین خدا وسیع نبود تا در آن مهاجرت کنید؟» پس آنان جایگاهشان دوزخ است و [دوزخ] بد سرانجامی است.

فصل سوم: عوامل مشترک سلب توفیق

اشاره

فصل سوم: عوامل مشترك سلب توفيق

عوامل مشترك به آن دسته از امور گفته می شود که مانع دست یابی انسان به هر توفیقی می باشد که خود به دو قسم فردی و اجتماعی تقسیم می شوند.

۱. عوامل فردی

اشاره

۱. عوامل فردی

عده ای از صفات، رفتارها و حتی افکار فردی انسان، باعث بی سرانجامی برخی از فعالیت های او می شود. این عوامل در هر فردی باشد، تمام توفیق های مادی و معنوی از او سلب خواهد شد و در هیچ امری نتیجه کامل را کسب نمی کند. مهم ترین این عوامل عبارتند از:

الف) جهل

الف) جهل

جهل در متون دینی به دو معنا به کار رفته است: یکی نادانی، که در مقابل علم است و دیگری نابخردی، که در مقابل عقل استفاده شده است. این واژه در هر دو معنا، از عوامل سلب بسیاری از توفیق های انسان محسوب می شود. روشن است سلب توفیق به دلیل جهل، بر نقش علم و خرد در کسب موفقیت های مادی و معنوی انسان است.

هیچ حرکتی به رشد و تعالی نمی رسد مگر همراه با علم مداری و خردورزی باشد. امام علی(ع) دراین باره می فرماید:

«یا کمیلُ ما مِنْ حَرَکَهِ الّا وَ أَنتَ مُحتاجٌ فیها اِلَی المَعْرِفَهِ؛ ای کمیل! هیچ حرکتی بدون نیاز به شناخت و علم ممکن نیست».(۱)

۱- حسن بن شعبه حرانی، تحف العقول، ترجمه: علی اکبر غفاری، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۱۶۵.

بسیاری از پیشرفت های بشر در امور فردی و اجتماعی در گرو دانش و خرد اوست، به گونه ای که اگر این دو عامل از انسان گرفته شود، مانند دیگر حیوانات با گذشت هزاران سال، هیچ گونه پیشرفتی در زندگی اش صورت نخواهد پذیرفت.

جهل و نابخردی در واقع مرگِ هرگونه رشد و کمال انسانی است. امام علی(ع) می فرماید: «اَلْجَهْلُ مَوْتٌ، الْجاهِلُ مَیِّتٌ وَ اِنْ کانَ حَیّاً؛ جهل مرگ است و جاهل مرده است، گرچه در ظاهر زنده باشد».(۱)

در مسیر تعالی و کمال، جهل، گاهی به هدف و گاهی به چگونه رسیدن به هدف بازگشت دارد که البته در هر دو بخش، مانع توفیق است. در حقیقت، کسب توفیق (به معنای دقیق کلمه که همان تجمیع و هماهنگ سازی اسباب است) تنها به دست خداوند است،(۲) و خداوند زمینه های توفیق را برای فرد جاهلِ مقصّر فراهم نمی کند.

ازاین رو می فرماید: «إِنّی أَعِظُکَ أَنْ تَکُونَ مِنَ الْجاهِلِینَ؛ من به تو اندرز می دهم که مبادا از نادانان باشی». (هود: ۴۶)

خدای حکیم به انسان عقل و فهم بخشیده و از او فراگیری علم و دانش را خواسته است، تا با علم و دانش قدرت هماهنگ سازی اسباب و دست یابی به توفیق را کسب کند. ازاین رو، انسان جاهل از این موهبت الهی محروم می شود. کسی که به هدف خود علم ندارد یا راه رسیدن به هدف را نمی شناسد، تلاشش نه تنها پیش برنده نیست، هرچه بیشتر بکوشد از هدف خویش دورتر خواهد شد. امام صادق(ع) می فرماید:

۱- عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررا لکلم، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چ ۱، ص ۷۵.
۲- نک: هود: ۸۸.

اَلْعامِلُ عَلی غَیر بَصیرهٍ کَالسّائِرِ عَلی غَیر طَریقٍ وَ لاتَزیدُهُ سُرعهُ السِّیر اِلّا بُعداً.(۱)

کسی که بدون آگاهی عملی را انجام دهد، مانند بیراهه رو است که هر چه بر سرعت خود بیفزاید، چیزی جز دوری از مقصد، دستگیرش نمی شود.

با اندکی تأمل در تاریخ، درمی یابیم که انسان های بی تدبیر و نادان در هیچ عرصه ای موفق نبوده اند و در مقابل، موفقان تاریخ، آگاهان و خردمندان هر عصر بوده اند.

اسلام همواره در فراگیری علم و دانش و مبارزه با جهل و نادانی، کوشش های بسیاری داشته است، علم را مایه هر خیر و جهل را مایه هر شرّ و بدبختی معرفی کرده است. در روایتی می خوانیم:

روزی یکی از انصار نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و گفت: اگر بنا باشد جنازه ای را تشییع کنم یا در مجلس دانشمندی حاضر شوم، کدام یک از این دو را بیشتر دوست داری؟ پیامبر فرمود: اگر کسانی باشند که در پی جنازه بروند و آن را به خاک بسپارند، حاضر شدن در مجلس مرد دانشمند، از حضور در تشییع هزار جنازه و دیدار هزار بیمار و بر پا ایستادن برای عبادت در هزار شب، و روزه داشتن در هزار روز و صدقه دادن هزار درهم به بینوایان و گزاردن هزار حج مستحبی و حضور در هزار جنگ در راه خدا، مگر جنگ واجب، و دادن مال و جان در این راه، فضیلت بیشتری دارد. اینها کجا به پای حضور در مجلس عالم می رسد؟

آیا ندانستی که اطاعت و عبادت خدا نیز به علم است و نیکی دنیا و آخرت با علم محقق می شود و شرّ دنیا و آخرت با جهل و نادانی؟(۲)

۱- تحف العقول، ص ۳۷۹، ح ۵۱.

۲- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ه_ .ق، چ ۳، الوفاء، ۱۴۰۴ه_ .ق، ج ۱، ص ۲۰۵، ح ۲۳.

آری جهل، بزرگ ترین عامل ناکامی های بشر در طول تاریخ است، عقب ماندگی ها، بی تمدنی ها، جنگ های ویران گر، پذیرش سلطه های استعمارگران، فروپاشی اجتماعی و ده ها ناهنجاری دیگر بخشی از آثار تلخ غوطه ور شدن بشر در امواج دنیاگیر جهان است.

درمان این مرض، تأکید بر علم گرایی و خردورزی تمام افراد جامعه است که البته در محورهای زیر از اهمیت بیشتری برخوردار است:

ـ شناخت هدف؛

ـ شناخت استعداد؛

ـ شناخت راه رسیدن به هدف و برنامه ریزی لازم؛

ـ شناخت مهارت ها و فنون لازم؛

ـ درک شرایط زمان و مکان؛

ـ خردمحوری در اجرای تمام برنامه های زندگی.

بدین ترتیب، نمودار میزان توفیق بشر، وابستگی شدیدی به مؤلفه علم محوری دارد. بنابراین، عالم تر و خردمندتر بودن انسان مساوی است با پیشروتر بودن وی و در مقابل، هرچه نادان تر باشد، ناموفق تر خواهد بود. حقیقت دیگر آنکه افراد دانا حتی در امور عادی زندگی نیز موفق ترند و این نشانه ای از تأثیر عمیق علم و خرد در پیروزمندی انسان است.

ب) بی نظمی

اشاره

ب) بی نظمی

بی نظمی دومین عامل مشترک فردی برای سلب توفیق است. انسان بی نظم در هیچ کاری توفیق لازم را کسب نمی کند. این نکته را می توان از معنای نظم فهمید. نظم به معنای کنار هم چیدن اشیا(۱)، برای کسب نتیجه

۱- محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۴ هـ. ق، چ ۳، ج ۱۲، ص ۵۷۸.

است و مسلّم است اگر کارهای لازم به گونه ای منظم در کنار یکدیگر قرار نگیرند، هرگز نتیجه مطلوب به دست نمی آید. مانند خودرویی که اجزای آن در جای خود قرار نگرفته باشد، هر چند بسیار گران قیمت باشد، توانایی حرکت را نخواهد داشت.

نظم همه اجزا و هماهنگی آنها با هدف اصلی، شرط اساسی هر مجموعه مرکّب است. فعالیت های انسان ها نیز چون متشکل از اجزا و عناصر مخصوصی است، بدون نظم لازم، به نتیجه و توفیق نمی رسد.

طبیعت نیز که کتاب پیام رسان تکوین الهی است، با نظم دقیق و فرای تصور انسانی، همواره آدمی را به این پدیده دعوت می کند. برای شفاف سازی نقش بی نظمی در سلب توفیق، برخی از آثار آن را در ادامه می آوریم.

آثار بی نظمی

اشاره

آثار بی نظمی

زیر فصل ها

یک ـ اتلاف سرمایه ها

دو ـ کمبود وقت

سه ـ اضطراب درون

یک ـ اتلاف سرمایه ها

یک ـ اتلاف سرمایه ها

سرمایه به معنای عام، شامل سرمایه مادی، معنوی، جانی و مالی است و با بی نظمی به هدر می روند و تباه می شوند. اگر مقداری آجر، سیمان و تعدادی تیرآهن را با بی نظمی در کنار یکدیگر قرار دهند، نه تنها ساختمانی بنا نمی شود، همه آن مصالح نیز اتلاف می شوند. فرد بی نظم، ایده ها، توانایی ها و عمر خویش را به دور ریخته و گرفتار زیانی بس بزرگ و گاه جبران ناپذیر می شود.

دو ـ کمبود وقت

دو _ کمبود وقت

نظم همان گونه که به مکان توسعه می دهد به گسترش زمان نیز کمک می کند و بی نظمی، زمان و مکان را تنگ و محدود می کند. ازاین رو، جای هیچ تعجبی نیست اگر در تاریخ به انسان هایی برمی خوریم که با عمر عادی معادل ده ها بلکه صدها انسان، به بشر خدمت کرده اند؛ چراکه نظم، به زمان

و مکان و عمر توسعه می بخشد. نمونه بارز چنین شخصیت هایی در عصر حاضر، امام خمینی رحمه الله است. ایشان که موفق ترین چهره تاریخ حاضر است، از نظمی بسیار دقیق و تعجب انگیز برخوردار بود. مرحوم آیت الله شاه آبادی (استاد امام) درباره نظم ایشان فرموده بود: «روح الله واقعاً روح الله است. نشد یک روز بعد از اینکه من بسم الله بگویم، در درس حاضر شود».(۱)

مرحوم مصطفی خمینی رحمه الله، فرزند امام، درباره نظم امام نقل می کند:

امام هر شب رأس ساعت سه به حرم امام علی(ع) تشریف می برد. در یک شب طوفانی که بیرون رفتن از خانه بسیار سخت بود، من به ایشان گفتم، امیرالمؤمنین دور و نزدیک ندارد. زیارت جامعه را که هر شب در حرم می خوانید، امشب در خانه بخوانید. امام فرمود: مصطفی! روح عوامانه ما را از ما نگیر! و همان شب بالأخره به حرم مشرف شدند.(۲)

از خادم امام نقل شده است که:

یک روز امام زنگ زد و فرمود شیر آب چکه می کند. قرار شد ساعت ۸ صبح فردا بروم و آن را درست کنم. روز بعد ساعت ۵/۸ بود که پشت در اتاق امام بودم از ایشان اجازه گرفتم که وارد شوم و شیر آب را تعمیر کنم. امام از داخل اتاق به من فرمود: «گفته بودم ساعت ۸، حالا برو فردا ساعت ۸ بیا».(۳)

آری امام رحمه الله با نظم بخشیدن به اوقات زندگی خویش توانست انقلاب بزرگ اسلامی ایران را به بهترین شکل هدایت و رهبری کند.

سه ـ اضطراب درون

سه ـ اضطراب درون

نظم به روح و روان انسان آرامش و تعادل ویژه ای می بخشد. این آرامش در دیدن مناظر طبیعی یا تابلوهای نقاشی زیبا نیز وجود دارد. در نتیجه، لذتی عمیق را به روح و روان انسان می بخشد.

۱- محمد قادری، آینه نظم، قم، میراث ماندگار، ۱۳۸۴، چ ۱، ص ۲۴.

۲- محمد قادری، آینه نظم، قم، میراث ماندگار، ۱۳۸۴، چ ۱، ص ۲۵.

۳- محمد قادری، آینه نظم، قم، میراث ماندگار، ۱۳۸۴، چ ۱، ص ۴۶.

در پایان یک روز منظم، همراه با احساس آرامش و لذت به خواب می رویم، اما زمانی که روز خود را با بی نظمی سپری کرده باشیم، با خستگی مفرط و بحران شدید روحی و فشارهای روانی، شبِ خود را آغاز می کنیم. بی نظمی با به هم زدن تعادل روح، احساس خستگی و وحشت از کارها را در پی دارد و عامل سلب توفیق می شود؛ زیرا زمینه لازم برای هر پیشرفت و توفیقی، آرامش روحی و تعادل روانی است. در طبیعت نیز همین معنا وجود دارد؛ یعنی با اختلال در نظم یکی از اجزاء طبیعت تعادل آن به هم ریخته و اوضاع دگرگون می شود. مانند بی نظمی در طلوع و غروب و یا فاصله خورشید. کمترین اثر چنین پدیده ای به هم ریختگی منظومه بزرگ خورشیدی است.

ج) سستی و تنبلی

ج) سستی و تنبلی

سومین عامل سبب سلب توفیق در انسان، تنبلی است. این صفت گرچه از لوازم بی نظمی و بی خردی است، با توجه به تأثیر فراوان آن در سلب توفیق و نیز ابتلای بسیاری بدان، آن را جداگانه بررسی می کنیم.

ریشه های تنبلی

منشأ تنبلی را باید در یکی از امور زیر جست وجو کرد:

یک ــ پوچ گرایی و بیهوده انگاری جهان آفرینش؛

دو ــ جهل (نادانی و نابخردی) در مورد هدف، قابلیت ها و استعدادهای خود و برنامه صحیح؛

سه ــ بی نظمی؛

چهار ــ سهل انگاری؛

پنج ــ ناامیدی.

تنبلی عنصری نازیباست که عقل، فطرت و ادیان آسمانی آن را منفی معرفی می کنند. امام محمدباقر(ع) می فرماید: «اَلْکَسَلُ یُضِرُّ بالدِّینِ وَ الدُّنیا؛ تنبلی به دین و دنیا زیان می رساند.»(۱) و به تعبیر دیگر، مایه سلب تمام توفیقات مادی و معنوی است. امام علی(ع) نیز در کلامی کوتاه و زیبا می فرماید: «آفَةُ النُّجْحِ الْکَسَلُ؛ آفت موفقیت تنبلی است.»(۲) و نیز فرمود: «التَّوانی اِضاعَةٌ؛ سستی و اهمال، از بین بردن است».(۳)

موفقان تاریخ، مردانی پرکار و پرتلاش بوده اند. روزی به امام خمینی رحمه الله گفته شد: آیا فردا را که بین التعطیلین است تعطیل می کنید؟ ایشان فرمود: «ان شاءالله تعطیلی ما در بهشت».

دکتر غلامعلی حداد عادل، از شاگردان استاد شهید مطهری می گوید:

استاد مطهری به اندازه سه برابر یک استاد رسمی دانشگاه تدریس می کرد. یک استاد دانشگاه اگر شش ساعت تدریس می کرد و وظیفه خود را انجام می داد، استاد مطهری در دو روزی که به قم می رفت، مقدار تدریسش از استادان رسمی بیشتر بود.(۴) خود استاد مطهری نیز گفته بود: «گاهی اوقات از فرط خستگی، گوشم نمی شنود و پاهایم تحمل وزن بدنم را ندارد».(۵)

در زندگی دیگر بزرگان جهان نیز نشانه های پشتکار و پرهیز از تنبلی بسیار روشن است، در زندگی نامه توماس آلفا ادیسون، کاشف برق آمده است که او برای تکمیل اختراعات خود شب ها و روزها در آزمایشگاه می ماند، بارها اتفاق می افتاد که دو روز یا سه روز از آزمایشگاه بیرون نمی آمد و چه بسا غذا خوردن را فراموش می کرد.(۶)

۱- میزان الحکمه، ج ۱۱، ص ۵۱۸۴.

۲- میزان الحکمه، ج ۱۱، ص ۵۱۸۴.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۶۳، ح ۱۰۶۲۲۶.

۴- حمید نگارش و علی باقی نصرآبادی، رمز موفقیت استاد مطهری، قم، نشر خرّم، ۱۳۷۹، چ ۳، ص ۸۷.

۵- حمید نگارش و علی باقی نصرآبادی، رمز موفقیت استاد مطهری، قم، نشر خرّم، ۱۳۷۹، چ ۳، ص ۸۸.

۶- حمید نگارش و علی باقی نصرآبادی، رمز موفقیت استاد مطهری، قم، نشر خرّم، ۱۳۷۹، چ ۳، ص ۸۶.

نیوتن می گوید: «اگر من به جایی رسیده ام بر اثر کار و کوشش است».(۱)

تلاش و پرکاری، انسان را با موجودات طبیعت هماهنگ و با آنها در جاده تکامل هم مسیر می کند.

تنبلی ازآن رو که اتلاف سرمایه هاست و سبب فرار از مشکلات و یا توقف در برابر موانع می شود، انسان را از کام یابی و توفیق محروم می کند. تنبل از گروه اهل صبر و استقامت که سرمایه اصلی هر توفیقی است، خارج است. قرآن کریم در جمله ای کوتاه و پرمعنا می فرماید: «إِنّ اللّهَ مَعَ الصّابِرِینَ؛ همانا خدا با صبرپیشگان است.» (بقره: ۱۵۳) معنای اینکه خداوند صبرکنندگان را همراهی می کند، چیزی جز اتصال قدرت بی نهایت، به قدرت محدود انسان نیست، که نتیجه اش پیروزی و موفقیت است. انسان تنبل و ناشکیبا، محکوم به شکست است؛ زیرا قدرت و نصرت الهی را به همراه ندارد و چون در عالم متعارض طبیعت، سنت جاری و لازمه طبیعت، پیروزی شکیبایی بر ناشکیبایی و تنبلی است و شهپر توفیق چیزی جز تلاش و کوشش نیست. «أَنْ لَیْسَ لِلْإِنْسانِ إِلاّ ما سَعی؛ و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست». (نجم: ۳۹)

همچو صائب شهپر توفیق را

همت مردانه می دانیم ما(۲)

نتیجه آنکه سستی و بی همتی و سهل انگاری، مانع کسب توفیق است، به همین جهت، پس از علم و خرد باید با روحیه ای تلاشگر برنامه حرکت به سوی هدف را به گونه ای منظم دنبال نمود.

د) افراط و تفریط

د) افراط و تفریط

افراط (زیاده روی) و تفریط (کوتاهی) ازآن رو که خروج از حد اعتدال هستند، موجب دور شدن از هدف و گمراهی اند. انسان های افراط گر

۱- حمید نگارش و علی باقی نصرآبادی، رمز موفقیت استاد مطهری، قم، نشر خرّم، ۱۳۷۹، چ ۳، ص ۸۷.

۲- صائب تبریزی، کلیات اشعار، تحقیق: محمد عباسی، تهران، جواهری، ۱۳۷۴، چ ۲، ص ۱۴۷.

یـا تفریط گر از انـدیشه و تفکر و نیز اجرای صـحیح برنامه مطلوب محروم می شونـد و قادر نیسـتند که اجزای مجموعه فعالیت هـای زنـدگی را به طور منظم در کنـار هم قرار دهنـد. ازاین رو، توفیق تکمیل هیـچ یک از کارها را نمی یابنـد. در ریشه یابی افراط و تفریـط سـخنی پرمحتوا از امیرمؤمنـان، علی(ع) نقـل شـده است. ایشان می فرمایـد: «لا تَرَی الْجاهِلُ اِلّا مُفْرِطاً اَوْ مُفَرِّطاً؛ نادان را نمی بینی جز آنکه کاری را از اندازه فراتر کشاند و یا بدانجا که باید، نرساند».(۱)

بنـابراین، آن که اهـل زیـاده روی و آن که اهـل کوتاهی است، هر دو جاهلنـد و گـذشت از جهل، عامل مهم بی توفیقی آنان است. زیاده روی، موجب خستگی و بی توجهی به هدف و برنامه است. امام علی(ع) دراین باره می فرماید:

لا تَحْمِلَنَّ عَلی ظَهْرِکَ فَوقَ طاعَتِکَ فَیَکُونُ ثُقْل ذلِکَ وَبالاً عَلَیکَ.(۲)

بیش از آنچه توان داری بر پشت خود منه که سنگینی آن بر تو گران آید.

کوتاهی نیز مانند زیاده روی است. فرد وامانده، شرط توفیق را فراهم نکرده است، بنابراین، نباید انتظار پیروزی داشته باشد.

دامن توفیق را جهد تواند گرفت

پا اگر افتد ز کار، از سر همت بکوش

میانه روی، توصیه عقل و دین، در تمام عرصه ها، حتی در عبادت هاست.

رهرو آن نیست که گه تند و گهی خسته رود

رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود

قرآن کریم در چند آیه به صراحت بر میانه روی تأکید دارد:

۱- سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه: سید جعفر شهیدی، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰، چ ۲، حکمت ۷۰، ص ۳۷۱.

۲- سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه: سید جعفر شهیدی، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰، چ ۲، نامه ۳۱، ص ۳۰۱.

الف) بقره، آیه ۱۴۳: «ما شما مسلمانان را امت معتدل قرار دادیم تا بر مردم الگو و نمونه باشید».

ب) در سوره فرقان، آیه ۶۷: بندگان خاص خدا را میانه رو در انفاق معرفی می کند.

ج) در سوره اسراء، آیه ۲۹: پیامبرخدا صلی الله علیه و آله را به اعتدال در انفاق دعوت می کند.

ه_) ناامیدی

اشاره

ه_) ناامیدی

امید، شرط لازم برای هرگونه طلب و خواستن است بدین معنا که ناامید، طالب هیچ امری نیست و طلب و خواستن، نقطه آغاز تمام حرکت ها و تلاش هاست. بنابراین، تا امید نباشد هیچ حرکت مفیدی صورت نمی گیرد. امام علی(ع) می فرماید: «کُلُّ راجٍ طالِبٌ وَ کُلُّ خائِفٍ هارِبٌ؛ هر امیدواری جوینده است و هر بیمناکی گریزان».(۱)

انواع ناامیدی

اشاره

انواع ناامیدی

ناامیدی را می توان به سه دسته تقسیم کرد:

_ ناامیدی از رحمت الهی؛

_ ناامیدی از دیگران؛

_ ناامیدی از خود.

یک _ ناامیدی از رحمت الهی

یک _ ناامیدی از رحمت الهی

خطرناک ترین نوع ناامیدی، ناامیدی از رحمت خداست؛ چراکه درهای توفیق را بر روی انسان می بندد و انسان را به ورطه

پوچی و هیچی می کشاند. این نوع از ناامیدی، تنها دچار کافران و گمراهان می شود: «إِنَّهُ لا

۱- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۹۸۸.

یَیْأَسْ مِنْ رَوْحِ اللّهِ إِلاّ الْقَوْمُ الْکافِرُونَ؛ جز گروه کافران کسی از رحمت خدا نومید نمی شود». (یوسف: ۸۷)

ناامیدی از رحمت الهی ریشه هایی از جمله بدگمانی به خدا، انتظارهای بیجا، تکبر و ناشکیبایی در برابر مشکلات و مصیبت ها دارد که باید مراقب این حالات بود.

امید به رحمت و توفیق الهی، مشروط به امیدواری و خوش بینی به خداست و خدا نسبت به هرکس براساس دیدگاه او، عمل می کند.

از امام رضا(ع) نقل شده است:

اَحْسِنِ الظَّنَّ بِاللهِ فَإِنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ یَقُولُ: اَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِیَ الْمُؤمِنِ بی اِنْ خَیْراً فَخَیراً، وَ اِنْ شَرّاً فَشَرّا.(۱)

به خدا گمان نیک داشته باش؛ زیرا خدای عزوجل می فرماید: من نزد گمان بنده مؤمن خویشم، اگر گمان او به من نیک باشد، مطابق آن با او رفتار می کنم و اگر گمانش به من بد باشد، باز هم مطابق گمان بدش با او عمل می کنم.

حاصل سخن آنکه ناامیدی که از آثار بدبینی به خداست، باعث سلب توفیقات می گردد.

دو _ ناامیدی از دیگران

دو _ ناامیدی از دیگران

ناامیدی از دیگران اگر به معنای حفظ استقلال خود و تکیه بر قدرت الهی باشد، رشددهنده و مفید است و خود، عامل توفیق است. در متون دینی آمده است که امید و تکیه داشتن بر دیگران، موجب محروم ماندن از رحمت خداست و خدا او را به همان خلق واگذار می کند.

امام علی(ع) فرمود:

اِجْعَلُوا کُلَّ رَجائِکُم لِلهِ سُبْحانَهُ وَ لاتَرْجُوا اَحُداً سِواهُ فَإِنَّهُ ما رَجا اَحَدٌ غَیرَ اللهِ تَعالی اِلّا خابَ.(۲)

۱- محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، اصول کافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ه_ .ق، چ ۳، ج ۲، ص ۷۲.

۲- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۹۹۰.

هرچه امید دارید، به خدای سبحان داشته باشید و به کسی جز او امید مبندید، زیرا هیچ کس به غیر خدای تعالی امید نبست، مگر آنکه، ناامید برگشت.

باری ناامیدی از مردم به معنای بدبینی به ایشان، منفی است و خود عامل سلب توفیق خواهد بود.

سه _ ناامیدی از خود

سه _ ناامیدی از خود

ناباوری استعدادها و بی اعتمادی به خویش، از عواملی است که بسیاری از توفیق های مادی و معنوی را از انسان می گیرد . توجه و تکیه بر استعداد ها و توان مندی های خدادادی، پیش زمینه همه حرکت هاست، به گونه ای که خودکم بینی و ناباوری، واماندگی از هرگونه پیشرفت و رسیدن به پوچی را در پی خواهد داشت. فرد خودکم بین احساس حقارتی دارد که جرئت انتخاب، حرکت و استقامت در کارها را نمی یابد، در نتیجه به توفیقات نیز نمی رسد.

۲. عوامل اجتماعی

اشاره

۲. عوامل اجتماعی

گاهی، فرد از نظر شخصی مشکلی در کسب توفیق ندارد، اما شرایطی در اجتماع حاکم است که خواسته یا ناخواسته توفیق افراد را تهدید یا آسیب پذیر می کند. برخی از این دسته عوامل عبارتند از:

الف) مدیریت نالایق

الف) مدیریت نالایق

نظام حکومتی یک جامعه و شیوه افکار حاکمان و نیز برخورد مسئولان جامعه، در رشد یا توقف و حتی عقب گرد تک تک افراد بسیار، تأثیرگذار است. بررسی تاریخ تمدن بشر نیز بر این نظر لباس استدلال می پوشاند.

تمدن با وجود مدیران ناکارآمد از حرکت بازمانده است. حاکمان و مدیران نالایق با وضع قانون های نامناسب، اجرای نادرست قانون و ستم های طبقاتی و نیز قرار دادن مجریان بی برنامه و ناشایست در امور

اجرایی، استعدادهای مردم خود را به هدر می دهند و آنها را از دست یابی به توفیقات بزرگ علمی، صنعتی، مادی و حتی معنوی، محروم می کنند.

ازاین روست که اسلام به حاکمیت جامعه (چه قانون گذاری آن و چه مجریان قانون) عنایت ویژه ای دارد و آن را در مرحله اول، مخصوص خدا می داند. «اِنِ الحُکْمُ اِلّا لِلّهِ یَقُصُّ الْحَقَّ وَ هُوَ خَیْرُ الْفاصِلینَ؛ فرمان جز برای خداست که حق را بیان می کند و او بهترین داوران است». (انعام: ۵۷)

در مرحله دوم، این امر بزرگ را به معصومان(علیهم السلام) واگذار می کند،(۱) تا راه هرگونه خودکامگی و تنگ نظری و قانون گذاری و قانون گذاران ناکارآمد را ببندند و استعدادهای بندگان را آن گونه که خود می دانند و می خواهند رشد دهند.

مدیر ناآگاه و ناعادل، ثروت های جامعه اعم از مالی و انسانی را نابود می کند و نمی تواند استعدادهای افراد جامعه خود را در کامیابی های علمی، فرهنگی، اقتصادی و معنوی به رشد برساند. قرآن کریم سلب توفیق این گونه مدیران را از زبان بلقیس ملکه سبا، به این صورت بیان می کند.

قالَتْ إِنّ الْمُلُوکَ إِذا دَخَلُوا قَرْیَهً أَفْسَدُوها وَ جَعَلُوا أَعِزّهَ أَهْلِها أَذِلّهً وَ کَذلِکَ یَفْعَلُونَ. (نمل: ۳۴)

[بلقیس] گفت: پادشاهان چون به شهری درآیند، آن را تباه و عزیزانش را خوار می گردانند و این گونه می کنند.

محیط و بستر اجتماع، از مهم ترین عوامل سازنده رفتارهای مثبت یا منفی افراد است؛ در محیطی که سازنده آن، حاکم و مدیران آن هستند. تأثیر محیط بر سازندگی افراد، چنان است که همانند رابطه علت و معلول می توان از وجود یکی، پی به دیگری برد. برای مطالعه رفتار افراد باید زمینه

۱- نک: مائده: ۵۵؛ نساء: ۵۹.

فرهنگی و اجتماعی جامعه ای را که آنها در آن زندگی می کنند بررسی کرد.(۱) در آیه ۲۰۵ از سوره بقره نیز می خوانیم:

وَ إِذا تَوَلّی سَعی فِی اْلاَرْضِ لِیُفْسِدَ فِیها وَ یُهْلِکَ الْحَرْثَ وَ النّسْلَ وَ اللّهُ لا یُحِبُّ الْفَسادَ.

و چون ریاستی یابـد کوشـش می کنـد که در زمین فساد نمایـد و کشت و نسل را نابود سازد و خداونـد تباه کاری را دوست ندارد.

بنابراین، اگر صالحان حکومت را به دست گیرند،... رابطه خود را با خداوند و محرومان جامعه حفظ می کنند، ولی اگر نااهل به قـدرت رسـید و ولایت مردم را به دست گرفت، در پی توفان هوس های درونی و ناآگاهی ها و فشارهای بیرونی، همه چیز جامعه را فدای خود می کند.(۲)

با توجه به مطالب بیان شده، از مهم ترین کارها برای کسب توفیق یک ملت، پذیرش حاکمیت صحیح و نفی حکومت نالایقان است.

ب) وابستگی به بیگانگان

ب) وابستگی به بیگانگان

از عواملی که توفیق های گوناگون را از یک ملت سـلب می کنـد، تکیه دادن و وابسـته بودن به بیگانگان است. این وابسـتگی چه از جهت سیاسـی باشد، چه اقتصادی یا فرهنگی، می تواند تمام افراد جامعه را عقب مانده نگه دارد و راه پیشرفت را بر آنها ببنـدد. البته منظور از بیگانگان، اسـتثمارگران متجاوزی است که قصدی به جز تسـلط بر منابع و منافع ملت ها ندارند. حضـرت امام خمینی رحمه الله در مورد نقش وابسـتگی به بیگانگان در سلب توفیق ملت ها، می فرماید: «این وابستگی فکری، وابستگی عقلی، وابستگی مغزی به خارج، منشأ اکثر بدبختی های ملت ها

۱- روان شناسی تربیتی، ص ۸۲.

۲- محسن قرائتی، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۸۲، چ ۷، ص ۳۲۳.

و ملت ماست.»(۱) ایشان وابستگی فرهنگی را سرمنشأ تمام وابستگی ها دانسته است و آن را این گونه گوشزد می کند:

اگر ما وابستگی فرهنگی داشته باشیم، دنبالش وابستگی اقتصادی هم هست، وابستگی اجتماعی هم هست، سیاسی هم هست، همه اینها هست. رأس همه اصلاحات، اصلاح فرهنگ است و نجات جوان های ما از این وابستگی به غرب.(۲)

اسلام رمز کسب توفیق را در دو چیز می داند:

الف) تکیه نداشتن بر دیگران و رهایی از وابستگی ها؛

ب) تکیه و توکل بر پروردگار.

در قرآن کریم نیز در زمینه توکل بر خدا و نقش آن در جلب توفیقات، می خوانیم:

وَ مَنْ یَتَوَکَّلْ عَلَی اللّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنّ اللّهَ بالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللّهُ لِکُلّ ِ شَیْ ءٍ قَدْرًا. (طلاق: ۳)

و هر کس بر خدا اعتماد کند، او برای وی بس است. خدا فرمانش را به انجام رساننده است. به راستی خدا برای هر چیزی اندازه ای مقرر کرده است.

تعبیر «فهو حسبه» عام است و شامل همه امور می شود. ازاین رو، می توان گفت توکل بر خدا، عامل کسب توفیق و کام یابی انسان است، همان گونه که اعتماد بر بیگانه و غیرخدا، سبب سلب آن می شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث گران بار، اهمیت خدامحوری و تکیه همواره جامعه به او را، این گونه معرفی می کند:

یَقولُ اللّهُ عَزَّوَجِلَّ: ما مِنْ مَخْلُوقٍ یَعْتَصِمُ بِمَخْلُوقٍ دُونی اِلّا قَطَعْتُ اَبْوابَ السَّماواتِ وَ الْارْضِ دُونَه فَاِنْ دَعانِی لَمْ اُجِبْهُ وَ اِنْ سَأَلَنی لَمْ اُعْطِه.(۳)

۱- حضرت امام خمینی رحمه الله، کلمات قصار، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۲، چ ۱، ص ۱۱۴.

۲- حضرت امام خمینی رحمه الله، کلمات قصار، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۲، چ ۱، ص ۱۷۵.

۳- میزان الحکمه، ج ۱۴، ص ۷۰۷۰.

خداونـد عزوجل می فرماید: هیچ مخلوقی نیست که به جای من به مخلوقی چنگ زند مگر اینکه درهای آسـمان ها و زمین را به روی او می بنـدم (و همه توفیقات را از او سـلب می کنم) پس چون مرا بخوانـد، جوابش نـدهم و چون از من بخواهد، به او عطا نکنم.

شعیب نـبی(ع) می فرمایـد: «وَ مـا تَوْفیقی إِلاّـ بِـاللّهِ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ إِلَیْهِ أُنیبُ؛ و توفیق من جز به [یـاری] خـدا نیست. بر او توکل کرده ام و به سوی او باز می گردم». (هود: ۸۸)

در این جمله دو نکته مهم نهفته است: اول اینکه هر توفیقی به دست خداوند متعال است و هیچ کس نمی تواند در امری موفق شود مگر به اذن و اراده او و دوم اینکه توفیق الهی دو شرط اساسی دارد: توکل به خدا و بازگشت به سوی او.

بنابراین، تکیه بر قدرت خدا و عدم وابستگی به دیگران از شرایط دریافت توفیقات الهی است.

نمـونه جـامعه ای که در سـایه قطع وابسـتگی به بیگانگـان و اتّکـا بر قـدرت الهی به توفیقـات بسـیاری دست یـافته است، ایران اسـلامی پس از انقلاـب است. مـا شاهـدیم که کشورهای همسایه ایران که وابسـته به کشورهای غربی بوده و هسـتند از دسـت یافتن به چنین توفیق هایی بی بهره اند.

جوامع مصـرف کننده محصولات فکری، هنری، فرهنگی و صـنعتی بیگانگان، احساس نیاز به نوآوری و ابتکار پیدا نمی کنند، در نتیجه استعدادهای جوانانشان شکوفا نمی شود و از پیشرفت ها و توفیقات محروم می مانند.

ج) ناامنی و بی ثباتی

ج) ناامنی و بی ثباتی

پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله خطاب به امام علی(ع) می فرماید: «یا عَلی لا خَیْرَ فِی الْوَطَنِ اِلّا مَعَ الْاَمْنِ؛ ای علی! در جامعه ای که امنیت نیست هیچ خیری یافت نمی شود».(۱)

۱- محمد بن علی بن حسـین بن بابویه قمی شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ه_ . ق، چ ۵، ج ۴، ص ۲۶۷.

امنیت و ثبات، پیش زمینه انجام همه فعالیت ها و نیز به ثمر رسیدن آنهاست. در جامعه ناامن، متفکران و فرهنگ سازان پدید نمی آیند و اگر باشند، فعالیتشان به ثمر نمی رسد. ازاین رو، واجب ترین وظیفه حاکمان جامعه، تأمین امنیت در همه ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی یک جامعه است. در حدیث بالا، پیامبر با کلمه «لا خیر» که در ادبیات عرب «نفی جنس» نامیده می شود، هرگونه خیر و برکت و توفیق و پیروزی را از جامعه ناامن به دور می داند.

امام علی(ع) نیز در حدیثی کوتاه می فرماید: «رِفاهِیَّهُ الْعِیْشِ فی الْاَمْنِ؛ راحتی زندگی در تأمین امنیت است».(۱)

نتیجه آنکه، از عوامل مشترکی که می تواند همه توفیق های انسان را تهدید کند و آسیب برساند، ناامنی اجتماع است.

۱- غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۴۷، ح ۱۰۲۵۳.

فصل چهارم: عوامل اختصاصی سلب توفیق

اشاره

فصل چهارم: عوامل اختصاصی سلب توفیق

در این بخش، عواملی را بررسی می کنیم که یک یا چند توفیق خاص را سلب می کنند، ازاین رو، آنها را «عوامل اختصاصی» می نامیم. عوامل اختصاصی را نیز می توان در دو فصل «فردی» و «اجتماعی» مورد بحث قرار داد.

۱. عوامل فردی

اشاره

۱. عوامل فردی

زیر فصل ها

الف) عوامل سلب ایمان

ب) علل محروم ماندن از لذت عبادت

ج) عوامل محروم ماندن از نماز

د) عوامل محروم ماندن از نماز شب

ه_) عوامل سلب توبه

و) عوامل محروم ماندن از انس با قرآن

ز) علل بی توفیقی در استجابت دعا

ح) عوامل سلب اخلاص

ط) اسباب سلب عفت

ی) عوامل محروم ماندن از شفاعت

الف) عوامل سلب ایمان

اشاره

الف) عوامل سلب ایمان

مهم ترین توفیق الهی که می توان آن را کلید تمام توفیقات معنوی دانست، ایمان است. بی شک، ایمان سبب ارتباط با مبدأ تمام کمالات و دریافت توفیقات از اوست. در پرتو ایمان، انسان از تاریکی های جهل و عالم حیوانی به سوی نور و حیات زیبا و آراسته خارج می شود.

«اللّهُ وَلِيُّ الّذينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظّلُماتِ إِلَى النّورِ؛ خداوند سرور کسانی است که ایمان آورده اند، آنان را از تاریکی ها به سوی نور به در می برد». (بقره: ۲۵۷)

مقصود از ایمان، باور قلبی نسبت به ذات الهی و صفات نیکوی او، نبوت، معاد و امور غیبی است. در قرآن کریم در مورد نقش کلیدی ایمان در گشودن درهای توفیقات و برکات معنوی و مادی می خوانیم:

وَ لَوْ أَنّ أَهْلَ الْقُرى آمَنُوا وَ اتّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَيْهِمْ بَرَكاتٍ مِنَ السّماءِ وَ الْأَرْضِ. (اعراف: ۹۶)

و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین بر ایشان می گشودیم.

پس از معرفی اجمالی جایگاه ایمان و نقش مؤثر آن در کسب توفیق، بایـد توجه داشت که این کلیـد توفیق، آفت ها و موانعی جدّی دارد که می توانند موجب سـلب آن شوند، مهم ترین عوامل سلب توفیق ایمان را براساس آیات قرآن و روایات اسلامی می توان در امور زیر دانست:

یک ـ روی گردانی از خدا (گناه)

یک ـ روی گردانی از خدا (گناه)

گناه به معنای نافرمانی از دسـتورهای الزامی (واجب و حرام) خدا، عامل مهمی برای سلب ایمان است؛ زیرا گناه، روی گردانی از خـدا و پشت کردن به اوست، درحـالی که ایمان، رو آوردن به خـدا و دریچه دریافت رحمت های اوست. ازاین رو، گناه با ایمان سازگاری ندارد، درست همانند کسی که به خورشید پشت کرده و از دریافت نور آن محروم است.

ایمـان، نخستین حرکت بنـده به سوی پروردگـار و رحمت هـای اوست، اما گناه، روی گردانی از خـدا در مرحله عمل و رفتار است که گـاه به تدریـج و گـاه، یـک بـاره ایمـان را تباه می سازد. نکته مهم اینکه گناه، هم از ایمان جلوگیری می کنـد و هم ایمان داشته را برمی دارد. در قرآن کریم می خوانیم:

ثُمّ کانَ عاقِبَهَ الّذینَ أَساؤُا السّوای أَنْ کَذّبُوا بِایاتِ اللّهِ وَ کانُوا بِها یَسْتَهْزِؤُنَ. (روم: ۱۰)

آن گاه فرجام کسانی که بدی کردند [به جایی رسید که] آیات خدا را تکذیب کردند و آنها را به ریشخند گرفتند.

یزید در مجلس اسیران عاشورا، اسلام را انکار کرد و گفت:

لَعِبَتْ هاشِمٌ بِالْمُلکِ فَلا خَبرٌ جاءَ وَ لا وَحْیٌ نَزَلَ

بنی هاشم با حکومت بازی کردند، وگرنه، نه خبری از آسمان آمد و نه وحی نازل شد.(۱)

حضرت زینب(س) که در مجلس حضور داشت فرمود: «خدا راست فرمود که: ثُمّ کانَ عاقِبَهُ الّذینَ أَساؤُا السّوای أَنْ کَذّبُوا بِآیاتِ اللّهِ وَ کانُوا بِها یَسْتَهْزِؤُنَ».(۲)

از مجموع احادیثی که دراین باره آمده است، چنین استفاده می شود که گناه در دو صورت ایمان را سلب می کند: صورت اول آن است که گناه کار، حرام الهی را حلال بشمارد؛ یعنی به ضد حکم خدا معتقد باشد، که در این حالت گناه موجب سلب بقیه ایمان نیز می شود و در صورت دوم، گناهکار بر گناه داشته استمرار بورزد. وگرنه گناهی که به همراه پشیمانی است، چنین اثری را ندارد.(۳) در قرآن کریم نیز می خوانیم: «وَ ما یُکَذِّبُ بِهِ إِلاّ کُلُّ مُعْتَدٍ أَثیمٍ؛ جز هر تجاوزپیشه گناهکاری آن _ روز قیامت _ را به دروغ نمی گیرد». (مطففین: ۱۲)

علامه طباطبایی رحمه الله می فرماید: «منظور از اثیم، کسی است که گناه بسیار داشته، به طوری که گناهانش روی هم انباشته شده باشد».(۴)

نکته مهم اینکه، ایمان و عمل دارای اثرهای متقابل اند و هریک دیگری را قوی یا ضعیف می کند. هرچه ایمان قوی تر باشد، اعمال عبادی نیز بیشتر و قوی تر است و هر چند اعمال عبادی بالاتر و قوی تر باشد، درجه ایمان هم بالاتر می رود. گناه نیز کم کم ایمان و اعتقاد را ضعیف می کند تا جایی که آن را به طور کامل سلب می نماید.(۵)

استاد شهید مطهری رحمه الله در این مورد می فرماید:

۱- ترجمه: محمدمهدی فولادوند.

۲- آیت الله ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴، چ ۱، ج ۱۶، ص ۳۷۵.

۳- نک: میزان الحکمه، چ۱، صص ۳۶۶ _ ۳۶۹.

۴- سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ه_ .ق، چ ۵، ج ۲۰، ص ۲۳۳.

۵- نک: روم: ۱۰.

به حکم اصل انطباق در صورت انجام گناه، فرد نیز دگرگون می شود. یعنی مادی گری اخلاقی، موجب مادی گری اعتقادی می گردد.(۱)

نتیجه آنکه، گناه مانع اعتقاد و ایمان راستین است و عاملی مهم برای زدودن ایمان و اعتقاد موجود به شمار می آید و این امر اختصاص به گناهی خاص ندارد، بلکه هر گناهی می تواند این اثر سلبی را داشته باشد، اما برخی از گناهان از آثار بیشتری در سلب ایمان برخوردارند.

دو_ دروغ

دو_ دروغ

دومین عامل سلب توفیق ایمان، دروغ است. دروغ چشم بستن بر حقایق و انکار حقیقت است. درحالی که ایمان، پذیرش حق و تسلیم شدن در برابر آنهاست. ازاین رو، دروغ و ایمان، ناهماهنگ تلقی می شوند و هر یک دیگری را سلب و منع می کند. (پیداست که منظور از ایمان، ایمان به خدا، نبوت انبیا و وجود معاد است...) به هر حال، مؤمن واقعی اهل دروغ نیست و اهل دروغ نمی تواند مؤمن واقعی باشد!

روزی از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله سؤال شد: آیا ممکن است مؤمن ترسو باشد؟ فرمود: بله. عرض شد: آیا ممکن است بخیل باشد؟ فرمود: بله. عرض شد: آیا ممکن است که دروغگو باشد؟ فرمود: نه.(۲)

امام علی(ع) فرمود: «لا یَجِدُ عَبْدٌ طَعْمَ الْایمانِ حَتّی یَتْرُکَ الْکِذبَ هَزْلَهُ وَ جِدَّهُ؛ تا بنده ای دروغ گفتن به شوخی و جدی را ترک نکند، مزه ایمان را نمی چشد».(۳)

دروغ جدی با ایمان در تضاد است؛ زیرا یا انکار واقعیت است یا اخفای آن، اما دروغ شوخی نیز چون از مصادیق روشن لغو است، با

۱- نک: مرتضی مطهری، علل گرایش به مادیگری، قم، صدرا، ۱۳۵۷، چ ۸، ص ۲۲۹.

۲- بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۲۶۱، ح ۴۰.

۳- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۳۸۲.

ایمان ناهماهنگ است؛ زیرا قرآن کریم یکی از ویژگی های مؤمنان راستین را دوری از کارهای بیهوده می شمارد:

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الّذینَ هُمْ فی صَلاتِهِمْ خاشِعُونَ وَ الّذینَ هُمْ عَنِ اللّغْوِ مُعْرِضُونَ. (مؤمنون: ۱ ـ ۳)

به راستی که مؤمنان رستگار شدند، همانان که در نمازشان فروتنند و آنان که از بیهوده رویگردانند.

ایمان واقعی، دوری از تمام کارهای بیهوده را طلب می کند؛ زیرا فرد مؤمن خود را در محضر پروردگار عالم می داند که در آن هیچ امر لغو و بیهوده ای پذیرفته نیست.(۱)

قرآن کریم در سوره نحل آیه ۱۰۵ می فرماید:

إِنّما یَفْتَرِی الْکَذِبَ الَّذینَ لا یُؤْمِنُونَ بِآ یاتِ اللّهِ وَ أُولئِکَ هُمُ الْکاذِبُونَ.

تنها کسانی دروغ پردازی می کنند که به آیات خدا ایمان ندارند و آنان خود، دروغگویانند.

نتیجه آنکه، ایمان با هیچ نوع دروغ سازگاری ندارد و انسان دروغگو توفیق دست یابی به ایمان یا حفظ آن را از دست می دهد.

سه ـ تکبر

سه ـ تکبر

کبر به معنای برتربینی است و تکبر عبارت است از بروز صفت زشت کبر در رفتار انسان. ازاین رو، اگر کبر در اعمال و رفتار آشکار شود، تبدیل به تکبر می شود و انسان متکبر، خودبر تربینی اش را نسبت به دیگران اعمال می کند.(۲)

گاهی تکبر در برابر خداست. بدین معنا که شخص متکبر، درخواست های نفس خویش را بزرگ تر از خواسته های خدا می بیند و از انجام دستورهای الهی سر باز می زند و تکبر می ورزد و گاهی به انسان ها

۱- تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۹.

۲- نک: احمد نراقی، معراج السعاده، قم، هجرت، ۱۳۷۵، چ ۳، ص ۲۸۷.

فخر می فروشد. تکبر در برابر خدا مانع دسترسی به ایمان است؛ زیرا فرد مؤمن، به وجود خدا، عظمت او و نیز بندگی و حقارت خویش ایمان و اعتقاد دارد. ازاین رو، هیچ جایی برای تکبر ورزیدنش در برابر خدا باقی نمی ماند.

بنابراین، تکبر در برابر خدا، نشانه بی ایمانی است و تا این رفتار ناپسند وجود دارد ایمان تحقق نمی یابد و اگر هم ایمان ضعیفی بوده، سلب می شود. در قرآن کریم علت رانده شدن شیطان از درگاه الهی، تکبر او معرفی می شود و سپس چنین می آید؛ شیطان به واسطه همین تکبرش کافر شد و ایمان از او سلب گردید:

فَسَجَدَ الْمَلائِکَهُ کُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ إِلاّ إِبْلیسَ اسْتَکْبَرَ وَ کانَ مِنَ الْکافِرینَ. (ص: ۷۳)

پس همه فرشتگان یک سره سجده کردند مگر ابلیس]که[تکبر نمود و از کافران شد.(۱)

تصریح قرآن به سلب ایمان از متکبرین در سوره اعراف نمایان است آنجا که می فرماید:

سَأَصْرِفُ عَنْ آیاتِیَ الَّذینَ یَتَکَبَّرُونَ فِی اْلأَرْضِ بِغَیْرِ الْحَقِّ ِ وَ إِنْ یَرَوْا کُلَّ آیَهٍ لا یُؤْمِنُوا بِها ... . (اعراف: ۱۴۶)

به زودی کسانی را که در زمین به ناحق تکبر می ورزند از آیاتم رویگردان سازم [به گونه ای که] اگر هر نشانه ای را [از قدرت من] بنگرند، بدان ایمان نیاورند... .

در حدیثی از امام صادق(ع) خطاب به عبدالله بن ابی طلحه آمده است:

رسول خدا فرمود: خداوند هیچ بنده ای را که به وزن دانه خردلی در دلش کبر باشد، به بهشت نمی برد.

۱- این بیان بنا بر آن است که «کان» را در این آیه به معنای «صار» (شد) بدانیم که براساس نظریه عده ای از مفسران است. اما اگر «کان» را در معنای خودش (بود) استعمال نماییم، تکبر شیطان معلول کفر اوست و نه علتش.

[و نیز فرمود] هر بند ه ای که به وزن دانه خردلی در دلش ایمان باشد، به جهنم نمی برد.(۱)

نتیجه ای که از این حدیث گرفته می شود، ناسازگاری تکبر با ایمان است، کسی که در دل کبر داشته باشد، ایمانی برایش نمی ماند وگرنه به جهنم نمی رفت.

آری این یک سنّت الهی است که از متکبران، توفیق هرگونه هدایت و راهیابی را سلب می کند، به گونه ای که اگر تمام آیات و نشانه های الهی را نیز ببینند، باز هم ایمان نمی آورند.(۲)

چهار ـ حسد

چهار ـ حسد

حسد (رشک) یعنی، آرزوی زایل شدن نعمت دیگران.(۳) از شاخه های بدخواهی برای دیگران است و مقابل آن، نصیحت به معنای خیرخواهی قرار می گیرد.(۴)

حسد از صفات ناپسند و از بزرگ ترین آنهاست، که آثار بسیار بدی در جسم و روح صاحب آن به جای می گذارد. سلب آرامش، اعتراض به مقدرات الهی، خواری و ذلت در دید دیگران و در آخر سلب ایمان، از آثار این صفت غیرانسانی است.

امام علی(ع) می فرماید:

وَلا تُحاسِدُوا فَاِنَّ الْحَسَدَ یَأْکُلُ الْایمانَ کَما تَأْکُلُ النّارُ الْحَطَبَ.

به یکدیگر حسد مبرید که حسد ایمان را می خورد، چنان که آتش هیزم را.(۵)

۱- محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، شیخ صدوق، معانی الاخبار، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۱، چ ۱، ج ۱، ص ۲۴۱.

۲- تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۳۶۸.

۳- معراج السعاده، ص ۴۵۵.

۴- فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۷۲، چ ۳، ج ۳، ص ۹۴.

۵- نهج البلاغه، خطبه ۸۶، ص ۶۸.

نـا رضایتی به قضا و قـدر الهی در نعمت ها، نوعی کفر است و همین مسـئله، نقطه آغاز حسادت است و با رشـد آن بقیه ایمان فرد نیز تهدید و به تدریج، به کلی سلب می شود.

در حدیث قدسی آمده است:

حاسد دشمن نعمت من و خشمناک نسبت به قضای من است و به قسمتی که در میان بندگانم کرده ام، راضی نیست.(۱)

همان گونه که حسادت نشانه کفر و بی ایمانی است، خالی بودن قلب از این صفت زشت، نشانه ایمان سالم و درست است. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله در این باره آمده است:

روزی پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله در جمع گروهی از صـحابه، شـهادت دادنـد که فلاـن جوان از انصار اهل بهشت است. اصحاب به بررسی حالات او پرداختند، اما عمل فوق العاده ای را از او مشاهده نکردند، جز اینکه هرگاه به رختخواب خود می رفت، خـدا را یاد می کرد و برنمی خاست تا هنگام نماز صـبح. وقتی از خودش سؤال کردنـد، جواب داد حقیقت همان اسـت که خود دیدیـد جز اینکه من در نفس خود نسـبت به هیـچ یک از مسـلمانان در چیزی که خـدا به او داده، کینه و حسدی نمی یابم.(۲)

پنج ــ شراب خواری

پنج ــ شراب خواری

عقـل، شـناسه انسـان از دیگر موجودات مادی است و با نابودی یا به کار نگرفتن آن، سـیر نزولی انسان آغاز می شود، به گونه ای که از رتبه بهایم هم پایین تر می رود.(۳)

بـدیهی است که ایمـان در رتبه انسانی بـدون فکر و عقل تحقق نمی یابـد. شـراب از عوامل زوال فکر و عقل و الحاق انسان به حیوانات

۱- ملامحسن فیض کاشانی، محجه البیضاء، قم، جامعه مدرسین دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه، چ ۲، ج ۵، ص ۳۲۶.
۲- نک: تفسیر روشن، ج ۵، ص ۴۴۶، برگرفته از: نرم افزار هدایت در حکایت عنوان حسد داستان ۸.
۳- نک: اعراف: ۱۷۹.

است. ازاین رو، مانع بزرگی برای ایمان خوانده می شود. شراب خوار، با نوشیدن شراب، با فریاد بلند اعلام می کند که: من حیوان بودن را بر انسان بودن، ترجیح می دهم. او با محروم ماندن از فکر و عقل، همواره از کسب توفیق های پس از آن نیز ــ از جمله ایمان ــ محروم می شود.

امام رضا(ع) در بیان فلسفه تحریم شراب، بی ایمانی حاصل از آن را به عنوان یکی از علت های تحریم ذکر می کند و می فرماید:

حَرَّمَ اللّهُ عَزَّوَجَلَّ الْخَمرَ، لِما فیها مِنَ الفَسادِ وَ مِنْ تَغییرِها عُقولَ شاربیها وَ حَمْلِها ایّاهُم عَلی اِنْکارِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ ... .(۱)

خداوند عزوجل شراب را به خاطر فساد و تغییر دادن عقل نوشنده های آن و کشاندن آنها به سوی کفر و انکار خدا، حرام کرد...

نعمان رازی می گوید: من از امام صادق(ع) شنیدم که فرمود:

مَنْ زَنی خَرَجَ مِنَ الْایمانِ وَ مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ خَرَجَ مِنَ الْایمانِ.(۲)

هر کس زنا کند، از ایمان خارج شده و هر کس شراب بنوشد، از ایمان خارج گردیده است.

و نیز از ابوبصیر نقل شده که: از امام صادق(ع) شنیدم در تفسیر آیه «إِنّ الّذینَ آمَنُوا ثُمّ کَفَرُوا .... ثُمّ ازْدادُوا کُفْرًا.» (نساء: ۱۳۷) فرمود:

منظور، کسی است که بداند شراب حرام است و با این حال آن را بنوشد و نیز کسی که بداند زنا حرام است، اما زنا کند و کسی که بداند که زکات واجب است، ولی آن را نپردازد.(۳)

بنابر آیه بالا، شراب خوار ابتدا مؤمن بوده (ان الذین آمنوا)، ولی بر اثر نوشیدن آن به کفر کشیده شده است.

۱- محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، شیخ صدوق، علل الشرایع، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چ ۲، ج ۲، ص ۱۶۱.
۲- الکافی، ج ۲، ص ۲۷۱، باب الکبائر.
۳- عبد علی بن جمعه عروسی حویزی، تفسیر نور الثقلین، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ هـ .ق، چ ۴، ج ۱، ص ۵۶۳.

از روایات برمی آید که به محض نوشیدن شراب، ایمان از قلب نوشنده آن، سلب می شود و این اتفاق، تدریجی نیست. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «لا یَجْمَعُ الخَمرُ و الْایمانُ فی قَلبِ رَجلٍ واحِدٍ ابداً؛ شراب خواری با ایمان در یک فرد جمع نمی شود».(۱)

شش ــ هم نشینی با هواپرستان و پیروی از آنان

شش ــ هم نشینی با هواپرستان و پیروی از آنان

عامل دیگری که توفیق ایمان را از انسان دور می کند، هم نشینی با بی ایمانان و هواپرستان است. امام علی(ع) در نهج البلاغه می فرماید:

و مُجالِسَةُ اَهْلِ الْهَوی مَنْسأةٌ لِلایمانِ وَ مَحْضَرَةٌ لِلشَّیطانِ.(۲)

و هم نشینی با پیروان هوا، فراموش کردن ایمان و جای حاضر شدن شیطان است.

خداوند در قرآن کریم از هم نشینی با هواپرستان و پیروی از آنان به این دلیل که سلب کننده ایمان است، هشدار می دهد و تصریح می کند:

فَلا یَصُدّنّکَ عَنْها مَنْ لا یُؤْمِنُ بِها وَ اتّبَعَ هَواهُ فَتَرْدی. (طه: ۱۶)

پس هرگز نباید کسی که به آن [= قیامت] ایمان ندارد و از هوس خویش پیروی می کند، تو را از [ایمان به] آن باز دارد، که هلاک خواهی شد.

علامه طباطبایی رحمه الله در تفسیر شریف المیزان، در مورد این آیه، می فرماید:

علت ایمان نیاوردن ایشان به قیامت تبعیت از هوای نفس است. لذا ایمان به قیامت، مخالف هوای نفسانی است. بنابراین، حاصل کلام این می شود که مبادا پیروان هوای نفس، تو را از ایمان به قیامت، منصرف کنند و از یاد آن و یاد شئونات آن غافل سازند تا هلاک گردی.(۳)

۱- محمد سبزواری، جامع الاخبار او معارج الیقین فی اصول الدین، قم، مؤسسه آل البیت(ع)، ۱۴۱۴ هـ.ق، چ ۱، ص ۱۵۳.
۲- نهج البلاغه، خطبه ۸۶، ص ۶۸.
۳- نک: ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۱۹۸.

هم نشینی با هواپرستان به تدریج زمینه ساز پیروی از ایشان می شود، گرچه نخست به چنین قصدی هم نشین نشده باشد و چه بسا اصلاً متوجه تغییرات درونی خویش نمی شود.

طبع و روح انسان پذیرای بسیاری از تأثیرات محیط است(۱) و این اثرپذیری آنچنان تدریجی است که شناخت آن جز با محاسبات دقیق نفس امکان پذیر نیست. امام علی(ع) می فرماید:

لاتَصْحَبِ الشّریرَ فَاِنَّ طَبْعَکَ یَسرِقُ مِنْ طَبْعِه شَرّاً وَ انْتَ لاتَعْلَمُ.(۲)

با شرور هم نشینی مکن چون طبع تو شر را از طبع او می دزد درحالی که متوجه آن نمی شوی.

با نگاهی تربیتی و روان شناسانه به بسیاری از منحرفان و بی ایمانان، درمی یابیم که عامل اصلی سلب توفیقات ایشان و سبب انحرافشان از مسیر ایمان، هم نشینی و پیروی از هواپرستان بوده است.

عاقبت زبیر

زبیر که زمانی، رسول خدا صلی الله علیه و آله او را سیف الاسلام نامید و در ابتدا از یاران باوفای امام علی(ع) بود، با دنیاپرستی و پیروی کورکورانه از فرزندش، عبدالله، و هم نشینی با طلحه، چنان ایمان به ولایت را از دست داد که به یکی از گردانندگان اصلی جنگ جمل تبدیل شد.

امام علی(ع) در مورد زبیر و اثرپذیری او از فرزندش می فرماید:

ما زالَ الزُّبیرُ رَجُلاً مِنّا اَهْلَ البَیْتِ حَتّی نَشَأَ ابْنُهُ الْمَشئُومُ عَبدُالله... .(۳)

زبیر پیوسته از ما اهل بیت بود! تا آنکه فرزند نافرخنده اش عبدالله پا به جوانی گذاشت.

۱- نک: روان شناسی تربیتی، صص ۷۹ _ ۸۳.

۲- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق: ابوالفضل ابراهیم، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۸۵ ه_ .ق، چ ۲، ج ۲۰، ص ۲۷۲، حکمت ۱۴۷.

۳- نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۴۵۳.

آری هم نشینی با افراد هواپرست، زبیر را که زمانی ــ به تعبیر امام علی(ع) ــ از اهل بیت بود به بد عاقبتی دچار کرد!

ب) علل محروم ماندن از لذت عبادت

اشاره

ب) علل محروم ماندن از لذت عبادت

بسیاری از دین داران برنامه عبادی روزانه خود را کامل انجام می دهند، اما از لذت شیرینی آن بی بهره اند. برای مثال، از نماز و روزه خود لذت نمی برند، درحالی که عبادت، از بزرگ ترین اسباب لذت آفرین در زندگی مسلمانان است؛ زیرا فرد را به بزرگ ترین قدرت و منبع منفعت رسان یعنی خداونـد متعال متصل می کند. عبادت، انسان را به خدا نزدیک می کند و همان گونه که نزدیک شدن به گل و عطر او را عطرآگین می کند، نزدیکی به پروردگار نیز نعمت و رحمت و لذت بردن از آنها را به همراه دارد. با این حال، پس چرا برخی عبادت کنندگان از این نعمت باارزش محرومند. برخی از علل سلب حلاوت و لذت عبادت عبارتند از:

یک ــ دنیادوستی

یک ــ دنیادوستی

در حدیثی از حضرت عیسی(ع) نقل شده که فرمود:

بِحَقٍ اَقُولُ لَکُم؛ اِنَّه کَما یَنْظُرُ المریضَ اِلی طَیِّبِ الطَّعامِ فَلا یَلْتَذُّ مَعَ ما یجِدِهُ مِنْ شِدَّهِ الْوَجَعِ کَذلِکَ صاحِبُ الدُّنیا لایَلْتَذُّ بِالْعِبادَهِ وَ لا یَجِدُ حَلاوَتَها مَعَ ما یَجِدُ مِنْ حُبِّ الْمالِ.(۱)

به حق برای شما می گویم که چنانچه بیمار خوراک خوب را می نگرد و از آن لذت نمی برد؛ چون درد دارد، همچنین است حال دنیاطلب، که با عبادت لذتی نمی برد و شیرینی آن را نمی چشد؛ چون (مرض) حب مال دارد.

۱- تحف العقول، ص ۵۴۳.

عبادت فرد دنیاطلب عمیق نیست. ازاین رو، ارتباط ویژه ای با معبود ایجاد نمی کند و چون ارتباطی ایجاد نمی شود، از لذت و شیرینی ارتباط نیز بی بهره می شود.

یکی از شاگردان آیت الله بهجت از ایشان سؤال کرد: چه کنیم در نماز حضور قلب داشته باشیم؟

ایشان فرمود: «وقتی وارد نماز می شوید، هنگام خواندن حمد و سوره به معنای آن توجه کنید تا ارتباط حفظ شود».(۱)

دو ــ پرگویی

دو ــ پرگویی

پرگویی توفیق لذت بردن از عبادت ها را از انسان سلب می کند؛ چراکه غفلت آور است و گاه انسان را دچار گناهانی همچون دروغ، غیبت، تهمت، تمسخر و دیگر گناهان زبان می کند.

امام صادق(ع) فرمود: «اَلصَّمتُ مِفتاحُ کُلِّ راحهٍ... وَ فیه حَلاوهَ العِبادَهِ ... ؛ سکوت کلید تمام آسایش هاست... و شیرینی عبادت نیز در آن نهفته است...».(۲)

سه ــ پرخوری

سه ــ پرخوری

پرداختن به لذت های مادی از جمله پرخوری مانع توفیق درک لذت های معنوی است. خدای متعال در حدیث قدسی خطاب به رسول اعظم صلی الله علیه و آله می فرماید:

یا اَحمدُ اِنْ اَحْبَبْتَ اَنْ تَجِدَ حَلاوَهَ الْایمانِ فَجَوِّعْ نَفْسَکَ وَ الْزِمْ لِسانَکَ الصَّمْتَ.(۳)

ای احمد! اگر دوست داری که شیرینی ایمان را بچشی، خود را گرسنه نگه دار و زبانت را به سکوت ملزم کن.

۱- رضا باقی زاده، برگی از دفتر آفتاب، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی مشهور، ۱۳۸۰، چ ۶، ص ۱۳۲.
۲- میراحسین نوری، مستدرک الوسائل، قم، آل البیت(ع)، ۱۴۰۸ هـ .ق، چ ۱، ج ۹، ص ۲۰.
۳- میراحسین نوری، مستدرک الوسائل، قم، آل البیت(ع)، ۱۴۰۸ هـ .ق، چ ۱، ج ۱۱، ص ۲۳۳.

چهار _ گناه

چهار _ گناه

گناه نیز به طور عام حلاوت عبادت را از انسان می گیرد. امام صادق(ع) فرمود: «طَلَبْتُ حَلاوَةَ العِبادَهِ فَوَجَدْتُها فی تَرکِ الْمَعْصِیَهِ؛ شیرینی عبادت را خواستار شدم، آن را در ترک گناه یافتم».(۱)

بنابراین، گناه، قطع کننده ارتباط بین بنده و خداست و عبادت بدون ارتباط، لذت بخش نخواهد بود.

ج) عوامل محروم ماندن از نماز

اشاره

ج) عوامل محروم ماندن از نماز

بسیارند افرادی که در جوامع دینی از اقامه نماز سلب توفیق شده و از انجام این وظیفه عبادی محرومند. کشف عواملی که این دسته از مسلمانان را بی نماز ساخته، برای کارشناسان علوم تربیتی بسیار مهم است؛ زیرا نقش نماز در تربیت فردی و اجتماعی بر ایشان پوشیده نیست.

عوامل ترک نماز از دو راه شناسایی و بررسی می شود:

الف) بررسی آیات و روایاتی که به این امر پرداخته اند.

ب) تحقیقات میدانی و بررسی امور اجتماعی و شرایط جامعه.

آنچه در این کتاب بررسی می شود، مورد اول است که البته از اهمیت زیادی برخوردار است؛ چراکه خدا و اولیای او، به علل و عوامل هدایت و گمراهی آشناترند. گرچه تحقیق در امر دوم نیز لازم و ضروری است که باید در مطالعات تربیتی و جامعه شناسی مورد بحث قرار گیرد.(۲)

یک _ انکار معاد

یک _ انکار معاد

کسی که معاد را باور ندارد، نمی تواند به دستورهای خداوند پای بند باشد. چنین شخصی به راحتی بایدهای دینی (واجبات) را ترک می کند و

۱- میراحسین نوری، مستدرک الوسائل، قم، آل البیت(ع)، ۱۴۰۸ هـ .ق، چ ۱، ج ۱۲، ص ۱۷۳.
۲- نـک: غلامعلی افروز، روش هـای پرورش احسـاس مـذهبی نمـاز در کودکـان و نوجوانـان، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۱، چ ۱.

به نبایـدهای آن (محرمـات) روی می آورد؛ زیرا به روز پـاداش و جزا معتقـد نیست. قرآن کریم در این مورد می فرمایـد: «فَلا صَدَّقَ وَ لا صَلّی وَ لکِنْ کَذّبَ وَ تَوَلّی؛پس تصدیق نکرد و نماز بر پا نداشت بلکه تکذیب کرد و روی گردانید». (قیامت: ۳۱)

دو ـ هم نشینی با دوستان ناباب

دو ـ هم نشینی با دوستان ناباب

یکی از مهم ترین عوامل سلب توفیق در نماز، دوستان ناشایستی است که خودشان اهل نماز نیستند. قرآن کریم در هشداری چنین می فرماید:

فَلا یَصُدّنّکَ عَنْها مَنْ لا یُؤْمِنُ بِها وَ اتّبَعَ هَواهُ فَتَرْدی . (طه: ۱۶)

پس هرگز نباید کسی که به آن ایمان ندارد و از هوس خویش پیروی کرده است تو را از آن باز دارد، که هلاک خواهی شد.

مرحوم امین الاسلام طبرسی در تفسیر گران سنگ مجمع البیان می فرماید: «منظور آیه آن است که مبادا کسی که ایمان به قیامت ندارد و تابع هوس خویش است، تو را از نماز باز بدارد».(۱)

نکته مهمی که در آیه به چشم می خورد کلمه «یَصُدّنَک» است که با نون تأکید ثقیله همراه است که بر تأثیرگذاری عمیق هواپرستان در بازداشتن از نماز دلالت دارد.

بدیهی است هم نشینی با هواپرستان و کافران موجب گمراهی از راه حق می شود و گاهی این امر آن قدر ناآگاهانه و آرام اتفاق می افتد که خود فرد متوجه نمی شود. امام علی(ع) در این مورد فرموده است:

صُحبهُ الاَشْرارِ تُکْسِبُ الشَّرَّ کَالرّیحِ اِذا مَرَّتْ بِالنَّتِنْ حَمَلَتْ نَتِناً.(۲)

هم نشینی با اشرار موجب کسب شرّ است همانند باد که وقتی از چیزی بدبو عبور می کند، خود نیز بدبو می گردد.

۱- مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۱.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۳۱، ح ۹۸۲۶.

سه ـ روش های غیرتربیتی

اشاره

سه ـ روش های غیرتربیتی

از عوامل فراگیر و مهم دیگری که افراد را از نماز گریزان می کند، دعوت های غیرتربیتی به سوی نماز(۱) و یا برخوردهای تند و غیرمؤدبانه با کودکان نمازگزار در مراکز دینی است. چه فراوانند والدین یا مربیانی که فرزندان و شاگردان خود را با بداخلاقی، به نماز خواندن وادار می کنند. اینان متوجه نیستند که اگر با زور، جسم ایشان را به قبله وادارند، قلبشان را از آن روی گردان بلکه متنفر کرده اند و این، هیچ گونه موفقیتی را به دنبال ندارد.

بد عمل کردن در امر تربیت، عاملی مهم در سلب توفیق نماز برای اطرافیان است.

درسی از حضرت امام رحمه الله

درسی از حضرت امام رحمه الله

خانم زهرا مصطفوی (دختر حضرت امام خمینی رحمه الله) می گوید:

همسرم به جهت نماز دخترم را از خواب صبحگاهی بیدار می کرد و به نماز وا می داشت. وقتی امام رحمه الله از این ماجرا خبردار شدند برایشان پیغام فرستاد که: «چهره شیرین اسلام را در مذاق بچه تلخ مکن.» این کلام آن چنان مؤثر افتاد و اثر عمیقی بر جان دخترم به جای گذاشت که بعد از آن خودش سفارش می کرد که برای اقامه نماز صبح بیدارم کنید.(۲)

حکایتی از حجت الاسلام قرائتی

حکایتی از حجت الاسلام قرائتی

ایشان می گوید:

هفت ساله بودم که به یکی از مساجد کاشان رفتم و در صف اول نماز جماعت ایستادم، دیری نگذشت که پیرمردی مرا گرفت و مثل گربه! به عقب پرتاب کرد و گفت: بچه ها صف اول نمی ایستند و این در

۱- نک: روش های پرورش احساس مذهبی نماز در کودکان و نوجوانان، ص ۱۰.

۲- احمد میریان، پدر مهربان، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۸۴، چ ۱، ص ۸۳.

حالتی بود که با بی احترامی، هم جایی را غصب کرد و هم ذهن کودکی را نسبت به نماز مکدر کرد. پس از گذشت سال ها هنوز آن خاطره در ذهنم مانده است.

به یقین، چنان برخوردی برای بی نماز کردن کودکی هفت ساله بسیار اثرگذار است.

معروف است که امام حسن(ع) و امام حسین(ع) در خردسالی، گاهی در حین نماز بر دوش مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می نشستند و بازی می کردند. اما رسول خدا صلی الله علیه و آله، این مربی انسان ها، آن قدر نمازش را طولانی می کرد تا آنها از دوش مبارک پایین بیایند و خودش اقدامی نمی کرد تا مبادا آزرده خاطر شوند و نسبت به نماز و مسجد نگرش منفی پیدا کنند. البته روشن است که آن دو بزرگوار، معصوم بودند و از این مسائل محفوظ، اما پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان مربی جامعه باید به گونه ای در تمام موارد عمل کند که برای دیگران جنبه الگویی داشته باشد. بنابراین، هرگز نباید بچه ها را در مسجد تنبیه کرد هرچند مرتکب کاری شده باشند که باید آنها را تنبیه کرد. محیط مسجد را باید چنان آرام و با برخوردهای محترمانه، جذاب کرد که بچه ها از حضور در مسجد احساس شخصیت کنند و لذت ببرند.

در دعوت بچه ها به نماز نیز باید اصل «تدریج» در تربیت و نیز اصل «استفاده از احساسات و عواطف» را سرلوحه کار قرار داد؛ زیرا کودکان و نوجوانان در یادگیری بیش از آنکه از زبان منطق و استدلال تأثیر بگیرند، آماده پذیرش از طریق زبان مهر و محبتند(۱) و این امری است که برای همه تجربه شده است.

۱- روش های پرورش احساس مذهبی نماز در کودکان و نوجوانان، ص ۱۲.

د) عوامل محروم ماندن از نماز شب

اشاره

د) عوامل محروم ماندن از نماز شب

نماز شب یا خلوت پنهانی با معشوق در سحرگاهان که همه خفته انـد، از والاترین توفیقات الهی است و به قدری ثوابش زیاد است که امام صادق(ع) می فرماید:

هیـچ عمل نیکی نیست، مگر آنکه ثواب آن در قرآن روشن شـده، مگر نماز شب که خدای بزرگ ثواب آن را روشن نساخته و این بخاطر عظمت ثواب آن می باشـد، به همین علت در کتابش فرموده است: «هیـچ کس نمی دانـد چه ثواب هایی که مایه روشنایی چشمان است برای آنها نهفته است».(۱)

در اهمیت این حرکت شـبانه به سوی کمـال، همین بس که قرآن آن را بر پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله واجب دانسـته و نیز آن را وسیله رسیدن ایشان به مقام محمود(۲) که همان مقام «شفاعت کبری» است، می داند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در وصـیت خود به امیرمؤمنـان، علی(ع) می فرمایـد: «علیک بصـلاه اللیل، علیک بصـلاه اللیل، علیک بصـلاه اللیل، علیک بصـلاه اللیل؛ بر تو باد به نماز شب و این جمله را چهار بار تکرار فرمود».(۳)

در روایـات اسـلامی برای نماز شب آثار فراوانی بیان شـده است که برخی از آنها عبارتنـد از: شادی و نشاط، برگزیـدگی نزد خدا، نور دل، قرب الهی، دوری از گناه، سلامتی جسم، آمرزش گناه، توسعه رزق و نورانی شدن چهره.(۴)

با توجه به اهمیت فراوان و آثار بسیار مفید و کمال بخش نماز شب، زیان محروم ماندن از آن آشکارتر می شود. بنابراین، جا دارد که به عوامل

۱- مجمع البیان، ج ۸، ص ۵۱۹.

۲- نک: اسراء: ۷۹.

۳- میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۱۴۶، ح ۱۰۷۳۴.

۴- نک: میزان الحکمه، ج ۷، صص ۳۱۴۶ _ ۳۱۵۲.

سلب توفیق این پاداش الهی توجه بیشتری شود تا اگر گرفتار آنهاییم با برطرف کردنشان، این دریچه نسیم رحمت رحمان را به روی خود بگشاییم و از صهبای آن مست حق گردیم. عواملی که در روایات برای سلب توفیق نماز شب شمرده شده، عبارتند از:

یک ـ گناه روزانه

یک ـ گناه روزانه

گناه بزرگ ترین مانع انسان برای سلوک در مسیر کمال و مهم ترین عامل سلب توفیقات اوست. شخص گناهکار خود را از دریافت پاداش های پروردگار محروم می کند و بی گمان توفیق نماز شب و دوری از خواب و خوابگاه جز با توفیق خداوند ممکن نیست. چنین توفیقی شامل روی گردانان از رحمت خدا نمی شود. در این مورد نقل شده است که فردی از امام علی(ع) پرسید: چرا من از نماز شب محروم شده ام؟ امام پاسخ داد: «تو شخصی هستی که گناهانت تو را به بند کشیده است».(۱)

همچنین از امام صادق(ع) نقل شده که فرمود: «انسان گناهی می کند و به همان دلیل از نماز شب محروم می شود. همانا عمل زشت در صاحب آن، زودتر از کارد در گوشت، اثر می گذارد».(۲)

ممکن است این تصور پیش آید که از سویی، در روایات یکی از آثار نماز شب را مغفرت و بخشش گناه معرفی می کنند و از سوی دیگر گفته می شود که گناهکار توفیق نماز شب پیدا نمی کند. بنابراین، اگر گناهکار توفیق نماز شب را ندارد، چرا بخشش گناه را از آثار نماز شب می دانید؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت که به یقین همه گناهان موجب محروم ماندن از نماز شب نیست؛ زیرا در این صورت باید نماز شب مخصوص معصومان(ع) می بود،

۱- میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۱۵۲، ح ۱۰۷۶۶.

۲- میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۱۵۲، ح ۱۰۷۶۷.

حال آنکه تنها برخی از گناهان است که موجب سلب این توفیق بزرگ می گردد. از جمله این گناهان دروغ و غیبت(۱) است.

دروغ در بین گناهان، به عنوان کلید آنها و راه ورود به دیگر گناهان معرفی شده است. امام حسن عسکری(ع) فرمود: «همه پلیدی ها در یک خانه گذاشته و کلید آن، دروغ قرار داده شده است».(۲)

از امام صادق(ع) نقل شده که فرمود: «اِنَّ الرَّجُلَ لَیَکْذِبُ الکَذِبَهِ فَیُحَرِّمُ بِها صَلاهَ اللّیلِ؛ شخص، دروغ می گوید در نتیجه، از نماز شب محروم می شود».(۳)

نکته پایانی در مورد نماز شب اینکه، این گونه نیست که هر کس نماز شب نمی خواند، حتماً گناهکار است؛ زیرا نماز شب عبادتی مستحبی است و بسیاری از مؤمنین با اینکه اهل گناه نیستند، آن را انجام نمی دهند.(۴) گرچه شاید اگر بخواهند، خدا نیز توفیق انجامش را بدان ها خواهد داد.

ه_) عوامل سلب توبه

اشاره

ه_) عوامل سلب توبه

توبه به معنای بازگشت از گناه و توجه به طاعت و بندگی پروردگار است که فرصتی برای جبران اشتباه های گذشته و روی آوردن به مسیر کمال است. توبه دری از درهای رحمت خداوند است که مایه نجات بسیاری از گمراهان می شود. توبه گذشته ها را می پوشاند و قلب ها را پاکیزه می کند و گناهان را می شوید. توبه دارای مراحلی بدین شرح است: پشیمانی از گناه؛ تصمیم به برگشت؛ روی کردن به طاعت؛ جبران گناه و حرکت به سوی راه اصلی (هدایت).(۵)

۱- سید محمدتقی مدرسی، تفسیر من هدی القرآن، تهران، دار محبی الحسین(ع)، ۱۴۱۹ ه_ .ق، چ ۱، ج ۱۴، ص ۲۷.
۲- محمدبن مکی عاملی (شهید اول)، الدّره الباهره من الاصداف الطاهره، تحقیق: داود صابری، مشهد، مؤسسه انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵، ص ۴۳.
۳- میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۱۵۲، ح ۱۰۷۶۸.
۴- همت سهراب پور، آثار گناهان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸، چ ۸، ص ۲۰۵.
۵- نک: میزان الحکمه، ج ۲، صص ۶۳۶ _ ۶۴۶.

درست همانند کسی که از مسیر اصلی خارج شده و به اشتباه به راه های فرعی کشیده شده است. چنین فردی نخست باید بفهمد که اشتباه آمده و از ادامه حرکت باز ایستد. سپس جهت مسیر را عوض کرده و با سرعت بیشتری به جاده اصلی بازگردد. موفقیت در توبه، بسته به آن است که انسان در تمام این مراحل توفیق یابد. چه بسیارند انسان هایی که پس از انجام گناه پشیمان می شوند، اما باز هم به گناه خود ادامه می دهند و یا گناه را ترک می کنند، اما به جاده اصلی و هدایت نیز وارد نمی شوند. در حقیقت چنین فردی توفیق توبه کامل را نیافته است. موانع توفیق توبه متفاوتند که در اینجا به موانع کلی آن اشاره می شود.

یک ـ تأخیر توبه

یک ـ تأخیر توبه

اولین عامل سلب توفیق توبه، تأخیر توبه و به اصطلاح «تسویف»(۱) است. گناهکاری که برگشت خود را از مسیر انحرافی به تأخیر می اندازد، به فرصتی برای توبه در آینده امیدوار است، فرصتی که آمدن آن معیّن نیست. انسان نمی داند که تا چه زمانی زندگی می کند، از طرفی انباشتگی گناهان راه برگشت را برای انسان سخت تر می کند. ازاین رو، با ارتکاب هر گناهی باید به سرعت در اصلاح آن بکوشد و توبه کند. به همین علت، توبه از گناه، در شریعت مقدس اسلام واجب فوری است.

بسیاری از جوانان دچار وسوسه شیطان شده و اصلاحات دینی و توبه از گناهان را به آخر عمر و به ایام سالمندی می اندازند، غافل از اینکه هیچ تضمینی برای رسیدن به سالمندی و دوران پیری برای هیچ انسانی وجود ندارد؛ زیرا هر لحظه ممکن است اجل فرا برسد و فرد، موفق به توبه نشود و نیز آنکه انسان پیر با انبوهی از گناه، قدرت روحی

۱- تسویف: تأخیر و تعلل در امری.

تصمیم به بازگشت را از دست می دهد و چه بسا گناه زیاد او را به کفر بکشاند.(۱) هم چنان که اگر تصمیم به بازگشت بگیرد، قدرت جبران کج راهی ها را ندارد. بنابراین، تأخیر توبه نتیجه ای جز سلب توفیق آن همراه ندارد. امام جواد(ع) می فرماید: «تَأخیرُ التّوبهِ اغْتِرارٌ و طُولُ التَّسْویفِ حِیَرهٌ؛ به تأخیر انداختن توبه فریب خویش است و امروز و فردا کردن مایه حیرت و سرگشتگی».(۲)

در آیه ۱۷ و ۱۸ از سوره نساء نیز می خوانیم:

توبه نزد خدا، تنها برای کسانی است که از روی نادانی مرتکب گناه شوند، سپس به زودی توبه می کنند. اینانند که خداوند توبه شان را می پذیرد و خداوند دانای حکیم است و توبه کسانی که گناه می کنند تا وقتی که مرگ یکی از ایشان می رسد، می گوید: «اکنون توبه کردم»، پذیرفته نیست... .

از جمله کسانی که توبه کرد و توبه اش پذیرفته نشد فرعون بود؛ چراکه توبه اش را تا آخرین لحظه زندگی به تأخیر انداخت. خداوند در قرآن کریم جریان توبه فرعون را در آیات ۹۰ و ۹۱ سوره یونس این گونه بیان می دارد:

و بنی اسرائیل را از دریا عبور دادیم، پس فرعون و سپاهیانش از روی ستم و تجاوز آنان را دنبال کردند، تا وقتی که در آستانه غرق شدن قرار گرفت، گفت: «ایمان آوردم که هیچ معبودی جز آنکه بنی اسرائیل به او گرویده اند نیست و من از تسلیم شدگانم.» (خدا به او فرمود:) اکنون ایمان می آوری؟ درحالی که پیش از این نافرمانی می کردی و از گناهکاران بودی؟

۱- «آن گاه فرجام کسانی که بدی کردند، به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و آنها را به ریشخند می گرفتند». (روم:۱۰)

۲- تحف العقول، ص ۳۹۲.

دو _ تظاهر به توبه

دو _ تظاهر به توبه

دومین عـاملی که می توانـد انسان را از توبه واقعی محروم کنـد، درک نکردن معنای حقیقی توبه و تظاهر به توبه است. کسـی که به توبه ظـاهری بسـنده می کنـد، چنین می پنـدارد که از گنـاه پاک شـده، درحالی که گناهانش زیر لایه های ظاهری توبه پنهـان شـده و خود را نشـان نمی دهـد. ازاین رو، صاحبش به فکر اصـلاح آنها نبوده و توفیق توبه کامل، از او سـلب می شود. کسـی که فقـط بـا زبـانش الفاظ توبه را، که همان طلب مغفرت و «اسـتغفرالله» گفتن است می گویـد، اما در واقع از گناه روی گردان نیست و به طاعت الهی رویکردی ندارد، در واقع دروغی بیش نگفته و هرگز توبه اش پذیرفته نمی شود.

قرآن کریـم در مـورد کسـانی کـه بعـد از ایمـان آوردن بـاز هم راه کفر را پیش می گیرنـد می فرمایـد: «... لَنْ تَقَبَّلْ تَـوبَتَهُمُ وَ اُولئکِ هُمُ الضّالّونَ؛ هرگز توبه آنها پذیرفته نمی شود و آنان خود، گمراهانند». (آل عمران: ۹۰)

یعنی توبه چنین فردی بـدان دلیـل پـذیرفته نمی شود که در حـال گمراهی به سـر می برد، درحـالی که اگر هم بـا زبان و هم با عمل خود به سوی خدا توبه و بازگشت داشته باشد، توبه اش پذیرفته می شود.(۱)

در سوره طه می خوانیم: «و اِنّی لَغَفّارٌ لِمَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صالحاً ثُمّ اهْتـدی؛ و به یقین، من آمرزنـده کسـی هسـتم که توبه کند و ایمان بیاورد و کار شایسته کند و به راه راست ره سپر شود». (طه: ۸۴)

بنابراین، معنای اصـلی توبه و بازگشت از گناه آن است که پس از اسـتغفار، به ایمان و عمل صالح گرایش پیدا کند(۲) وگرنه مشمول غفران خدا نمی شود.

۱- نک: رشیدالدین میبدی، تفسیر کشف الاسرار و عده الابرار، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۱، چ ۵، ج ۲، ص ۱۹۵.

۲- تفسیرالمیزان، ج ۱۴، ص ۱۸۸.

و) عوامل محروم ماندن از انس با قرآن

اشاره

و) عوامل محروم ماندن از انس با قرآن

قرآن تا روز قیامت کتاب هدایت تمام انسان هاست که در کارهای سخت پناهگاه و در درماندگی ها شفاعت کننده ای است که شفاعتش پذیرفته می شود. آن که آن را جلودار خود قرار دهد، به سوی بهشتش می کشاند و هر که آن را پشت سر خود قرار دهد، او را به دوزخ می کشاند. شگفتی های دریایش بی شمار است و دانایانش از آن سیر نمی شوند، ریسمان محکم خدا و راه راست است.(۱) بنابراین، انس با چنین کتابی تنها راه رسیدن به جاده مستقیم و چنگ زدن به ریسمان اطمینان بخش نجات است و محروم ماندن از این هم نشینی، بزرگ ترین خسارت برای انسانی است که در بیابان گمراهی و سرگردانی رهاست. در این بخش به عواملی می پردازیم که باعث شده اند بسیاری از مردم، حتی آنهایی که به این کتاب آسمانی ایمان دارند، از مطالعه و انس و بهره گیری همیشگی از آن، محروم شوند.

یک ــ دنیاگرایی

یک ــ دنیاگرایی

پرداختن زیاد به دنیا و امور دنیوی روح انسان را در بند می کشد و روحیه دنیاگرایی و آخرت گریزی را در انسان تقویت می کند. چنین فردی توان مطالعه و قرائت قرآن ندارد و عبادت کردن برای او، گویی خستگی ساعت ها کار را بر او تحمیل می نماید.

گرایش افراطی به امور دنیایی نتیجه دنیادوستی انسان است و همان گونه که در کلام حکما و علما آمده است، دنیادوستی عامل دوری از فراگیری علم و حکمت است.

ازاین رو، فرد دنیادوست که سرشار از امور و سرگرمی های دنیایی است، هرگز به قرآن که منبع وحی الهی و حکمت اصیل است روی نمی آورد. امام علی(ع) در این مورد فرمود:

۱- میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۴۸۰۲، ح ۱۶۴۰۸.

لِحُبِّ الدُّنیا صَمَّتِ الاَسماعِ عَنْ سَماعِ الْحِكْمَه وَ عَمَیتِ القُلوبُ عَن نُورِ الْبَصیرَه.(۱)

به خاطر دوستی دنیاست که گوش ها از شنیدن حکمت کر و قلب ها از دیدن نور بصیرت کور می شود.

دو ـ جهل به جایگاه قرآن

دو ـ جهل به جایگاه قرآن

جهل به جایگاه قرآن و ناتوانی در فهم آن، موجب انس نگرفتن با این کتاب زندگی ساز است. افرادی که قدر طلا را نمی دانند، هرگز حاضر نمی شوند برای به دست آوردن آن هزینه کنند و آن را زینت خود کنند. ازاین رو، آن را از خود دور می کنند.

امام علی(ع) دراین باره نیز فرمود: «الجاهلُ یَسْتَوحِشُ مِمّا یَأْنَسُ بِهِ الحَكیمُ؛ نادان از آنچه فرد حکیم با آن مأنوس است، وحشت می کند!»(۲)

انسان هایی که به تناسب وسعت وجود خویش جایگاه قرآن را شناخته اند، از تلاوت آن لذت می برند و در راه انس گرفتن با آن می کوشند. نقل است که حضرت امام خمینی رحمه الله همواره قرآنی کوچک به همراه داشت و در هر فرصت، حتی فاصله بین انداختن سفره تا زمانی که غذا بیاورند، قرآن تلاوت می کرد. گاهی تا سه، چهار جز از قرآن کریم قرائت می کرد. ایشان در نامه خود به فرزندش، احمدآقا، نوشته است:

فرزندم با قرآن ـ این کتاب معرفت ـ آشنا شو، اگرچه با قرائت آن، و راهی از آن به سوی محبوب بازکن و تصور نکن که قرائت بدون معرفت اثری ندارد که این وسوسه شیطان است، آخر، این کتاب از طرف محبوب است برای تو و برای همه کس و نامه محبوب، محبوب

۱- غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۴۲، ح ۲۵۲۳.

۲- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۸۷۰ ح ۲۸۲۱.

است اگرچه عاشق و محب مفاد آن را نداند و با این انگیزه حب محبوب که کمال مطلوب است به سراغت آید و شاید دستت گیرد![(۱)]

عده ای نیز چون ترجمه قرآن را نمی فهمند، از قرائت آن خسته می شوند و همین مسئله سبب سلب توفیق ایشان می شود. راه مبارزه با این حالت، فراگیری زبان عربی و مطالعه هم زمان قرآن و ترجمه آن است.

سه _ عمل نکردن به قرآن

سه _ عمل نکردن به قرآن

گاهی بی حوصلگی در قرائت قرآن، ناشی از عمل نکردن به آیات آن است. کسی که به قرآن عمل می کند، در واقع مانند کسی است که غذا را هضم می کند و با آمادگی جدیدی غذا می خورد. اما آن که لذت هضم قرآن را با عمل کردن درنمی یابد، از قرائت دوباره و انس با آن احساس خستگی و بی حوصلگی می کند. ازاین رو، توفیق حضور در آستانه این کتاب آسمانی را از دست می دهد. اساس سنّت الهی بر آن است که در صورتی توفیق بعدی نصیب فرد می شود که به دانسته های قبلی عمل کند.

ز) علل بی توفیقی در استجابت دعا

اشاره

ز) علل بی توفیقی در استجابت دعا

دعا کلید گنجینه رحمت پروردگار است[(۲)] و از این راه خدا به انسان ها به دیده رحمت می نگرد، به گونه ای که اگر دعای ایشان نبود، هیچ اعتنایی به آنها نمی کرد.[(۳)] تأثیر دعا تا حدی است که امام محمدباقر(ع) فرمود: «دعا قضای حتمی را بر می گرداند.»[(۴)] دعا وسیله مناجات و اتصال به بی نهایت رحمت، قدرت و بخشش است. ازاین رو، محروم ماندن از آن زیانی جبران ناپذیر را به همراه

۱- آمنه خوش طینت متین، گزیده ای از کلام و اندیشه امام خمینی رحمه الله، تهران، نشر عروج، ۱۳۸۵، چ ۳، ص ۱۸.

۲- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۶۴۴، ح ۵۵۱۵.

۳- نک: فرقان: ۷۷.

۴- الکافی، ج ۲، ص ۴۶۸، ح ۵.

دارد. با توجه به این مطالب، ضرورت بحث از عوامل سلب دعا روشن می شود، اما پیش از پرداختن به این عوامل، لازم است یادآوری شود که همه موارد به اجابت نرسیدن دعا بر اثر سلب توفیق نیست؛ گاهی هم راستایی حکمت خداوندی و مصلحت بشر به گونه ای خواهد بود که تأخیر در اجابت دعا و حلول اجابت، در قالب دیگری صورت می پذیرد و گاهی بنابر آنچه از روایات برداشت می شود، اجابت، به سرایی دیگر واگذار می شود.

امام علی(ع) در این باره می فرماید:

گاه حاجتی را از خدا می طلبی، اما به اجابت نمی رسد و دیر یا زود بهتر از آن به تو داده می شود، یا برای خیر و مصلحت تو در آن، از برآورده شدن خواسته ات دریغ می شود؛ زیرا بسیارند خواسته هایی که اگر برآورده شوند، به نابودی و تباهی دین تو می انجامد. پس چیزی بخواه که زیبایی و نیکویی اش برایت می ماند و پی آمد ناروایی ندارد.(۱)

بنابراین، نباید به دلیل به اجابت نرسیدن دعا، دچار داوری های شتاب زده شد و همه آنها را از موارد سلب توفیق شمرد. با این حال، برخی از موارد از مصداق های سلب توفیق هستند که براساس آیات و روایات اسلامی مهم ترین آنها عبارتند از:

یک ـ بی توجهی به شرایط و آداب دعا

یک ـ بی توجهی به شرایط و آداب دعا

دعا شرایط و آدابی دارد که بدون آنها استجابت دعا بسیار دشوار است.

مهم ترین شرایطی که معصومان(ع) برای استجابت دعا برشمرده اند عبارتند از:

یک ـ گفتن بسم الله الرحمن الرحیم در ابتدای دعا؛

دو ـ حمد و ثنای الهی و صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله ؛

۱- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۶۴۸، ح ۵۷۱۹.

سه ـ اعتراف به گناه و توبه از آن؛

چهار ـ تضرّع.

پنج ـ انتخاب ساعاتی مناسب (مثل سحرگاهان، هنگام نزول باران، پس از انجام فریضه) برای دعا؛

شش ـ پنهانی بودن دعا؛

هفت ـ عمومی بودن دعا؛

هشت ـ دعای دسته جمعی؛

نه ـ شفیع قرار دادن صالحان؛

ده ـ به جا آوردن دو رکعت نماز پیش از دعا کردن.(۱)

امام صادق(ع) در مورد تأثیر رعایت شرایط در استجابت دعا می فرماید: «آداب دعا را حفظ کن، ...اگر شرایط دعا را به جا نیاوردی، منتظر اجابت نباش!...»(۲)

دو ـ گناه

دو ـ گناه

دومین عامل سلب توفیق در استجابت دعا، گناه است. امام محمدباقر(ع) می فرماید:

گاه بنده (از خدا) حاجتی می طلبد و از شأن خداست که آن را زود یا دیر اجابت کند، اما او مرتکب گناهی می شود و خدای تبارک و تعالی به فرشته مأمور می گوید: «حاجت او را بر میاور و او را از آن محروم ساز؛ زیرا خود را در معرض خشم من قرار داد و مستوجب محروم ماندن از سوی من شد».(۳)

سه ـ حرام خواری

سه ـ حرام خواری

حرام خواری نیز یکی از مصداق های گناه است، اما به دلیل اهمیت آن و فراگیر بودنش، جداگانه در روایات ذکر شده است.

۱- نک: میزان الحکمه، ج ۴، صص ۶۵۶ ـ ۶۷۱.

۲- ميزان الحكمه، ج ۴، ص ۱۶۵۶، ح ۵۵۸۷.
۳- ميزان الحكمه، ج ۴، ص ۱۶۶۰، ح ۵۶۱۴.

نقل شده است حضرت موسی(ع) مردی را در حال دعا با حالت گریه و زاری شدید دید. حضرت موسی(ع) با خود گفت: «چرا دعای او مستجاب نمی شود!» بی درنگ خدای سبحان به او وحی کرد:

اگر این مرد چنین و چنان هم بکند (و شدیدتر از این گریه و زاری نماید)، باز هم دعایش را مستجاب نمی کنم؛ زیرا شکم او پر از (غذای) حرام است و بر پشتش (لباس) حرام است و در خانه اش (اموال) حرام وجود دارد.(۱)

کسی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کرد: من دوست دارم که دعایم مستجاب شود! فرمود: «طَهِّرْ مَأْكَلَكَ وَ لا تُدخِلْ بَطْنَكَ الحَرامَ؛ خوراکت را پاک کن و حرام را وارد شکمت نکن».(۲)

چهار _ ناپاکی دل

چهار _ ناپاکی دل

پنجمین عاملی که توفیق استجابت دعا را از دعاکننده سلب می کند، ناپاکی دل و نیت است که موارد و حالت های گوناگونی دارد. بدبینی به خدا، امید داشتن به غیر خدا، سنگ دلی و غفلت از یاد خدا، از این موارد است.

امام صادق(ع) فرمود: «اِنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ لایَستَجیبُ دُعاءً بِظَهرِ قَلبٍ ساهٍ؛ خدای عزوجل دعایی را که از دلی غافل و بی توجه سر زند، اجابت نمی کند.»(۳) و نیز فرمود: «اِنَّ الله لایَستَجیبُ دُعاءً بِظَهرِ قَلبٍ قاسٍ؛ خدا دعایی را که از دلی که دچار قساوت است، برمی خیزد، به اجابت نمی رساند.»(۴) در حدیث قدسی آمده است که خدای سبحان فرمود: «هر کس از من چیزی بخواهد و سود و زیان را تنها در دست من بداند، حاجتش را برآورده خواهم کرد».(۵)

این نکته قابل توجه است که، دقت در وعده خدا به اجابت دعاها که در آیه ۶۰ از سوره غافر آمده «اُدْعُونِی أَسْتَجِبْ لَكُمْ؛ مرا بخوانید تا شما را اجابت

۱- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۶۵۸، ح ۵۶۰۴.

۲- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۶۵۸، ح ۵۵۹۹.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۷۳، ح ۱.

۴- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۷۴، ح ۱.

۵- سید حسن شیرازی، سخن خدا، ترجمه: ذکرالله احمدی، تهران، خزر، ۱۳۶۳، چ ۲، ص ۲۹۲.

کنم». شرط امید نداشتن به غیر به خوبی فهمیده می شود، زیرا فرمود: ادعونی؛ یعنی مرا بخوانید ــ و نه غیر مرا ــ .

پنج ــ ناهماهنگی با حکمت و سنّت الهی

پنج ــ ناهماهنگی با حکمت و سنّت الهی

روشن است که استجابت دعا در گرو هماهنگی و هم سویی آن با سنّت های پروردگار است.

البته اگر دیگر شرایط دعا از جمله پاکی دل برای دعاکننده محقق باشد، دعایش در قالبی دیگر و با منفعتی بیشتر به او می رسد یا اینکه برای قیامت او ذخیره می شود. امام علی(ع) چیرگی همواره حکمت الهی بر استجابت دعا را این گونه بیان می فرماید:

اِنَّ کَرَمَ الله سُبحانَه لاینْقُضُ حِکْمَتَه، فَلِذلِکَ لایَقَعُ الْاِجابَهُ فی کُلِّ دَعوَهٍ.(۱)

بخشش و کرم خدای سبحان حکمت او را نقض نکرده است. ازاین روست که هر دعایی مستجاب نمی شود.

مطلب بالا ـ بر اصل کلی حکومت برخی از سنّت های الهی بر دیگر سنّت های او استوار است. ازاین رو، برخی از موارد، از موارد سلب توفیق نخواهد بود.

ح) عوامل سلب اخلاص

اشاره

ح) عوامل سلب اخلاص

اخلاص به معنای پاک کردن چیزی از آلودگی ها و ناصافی هاست.(۲) در اینجا مقصود پاک کردن نیت و عمل، از وابستگی به غیر خدا است و این به معنای پالایش آلاینده های شرک از انگیزه های عملی است. اخلاص، نخستین شرط بندگی است و عبادت تنها با آن معنا و مفهوم پیدا می کند.

۱- غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۹۳، ح ۳۷۶۴.

۲- حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب کلمات القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، دمشق، دارالعلم، ۱۴۱۲ ه ـ .ق، چ ۱، واژه «خلص».

بنابراین، باید با توجه بسیار ویژه ای به آن پرداخت. این اهمیت را می توان از نکته های قرآنی و روایی زیر دریافت:

الف) «اخلاص، انسان را از دسترسی شیطان در امان می دارد». (ص: ۸۲ و ۸۳)

ب) «اخلاص عالی ترین مرحله ایمان است».(۱)

ج) «اخلاص ملاک عبادت است».(۲) (امام علی(ع))

د) «هر که مقصدی جز خدا دارد، نابود می شود».(۳) (امام علی(ع))

اخلاص موانعی دارد که سبب سلب این توفیق بزرگ از انسان می شود و در حقیقت هر امر معنوی که در کمال انسان اثر بسزایی داشته باشد، موانع بیشتری دارد. برخی از عوامل سلب توفیق این گوهر گران بها عبارتند از:

یک _ اندیشه های منحرف و ضعیف

یک _ اندیشه های منحرف و ضعیف

خاستگاه حقیقی اخلاص، اندیشه ها و انگیزه ها است. بنابراین، روشن است که عوامل سلب آن را باید در همان دو جست وجو کرد. در حوزه اندیشه، اعتقاد انحرافی، ضعف ادراکی نسبت به شناخت خدا و اوصاف او و به ویژه توحید ذاتی، فعلی و ربوبی او مهم ترین عامل سلب توفیق اخلاص است. فرد دوگانه پرست یا چندگانه پرست، با اخلاص عمل برای خدای یکتا بیگانه است؛ چراکه اخلاص با شرک، ناهمخوان است و شرک، عمل را چندسویه می کند و انگیزه را به تقرب به خدایان می آلاید. این شخص تا اندیشه خود را صاف نکند و نپالاید، به بارگاه اخلاص راه نخواهد یافت.

امام علی(ع) فرمود: «سَبَبُ الإِخلاصِ الیَقینُ؛ علت اخلاص، یقین است.»(۴) و در جای دیگر «اَلإِخلاصُ ثَمرةُ الیَقینِ؛ اخلاص، میوه یقین است».(۵)

۱- میزان الحکمه، ج ۴، صص ۱۴۲۴ _ ۱۴۳۰، ح ۴۷۳۹.
۲- میزان الحکمه، ج ۴، صص ۱۴۲۴ _ ۱۴۳۰، ح ۴۷۳۸.
۳- میزان الحکمه، ج ۴، صص ۱۴۲۴ _ ۱۴۳۰، ح ۴۷۷۷.
۴- میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۴۳۴، ح ۴۷۹۳.
۵- میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۹۷، ح ۳۸۹۷.

یقین به خدا و اوصاف زیبای اوست که اخلاص آفرین است. کسی که خدای هستی را با همه صفات درک کرد، ناخودآگاه «إِیَّاکَ نَعْبُدُ وَ إِیَّاکَ نَسْتَعِینُ؛ تنها تو را می پرستیم، و تنها از تو کمک می خواهیم.» می گوید. به حق که سوره حمد انسان را به زیبایی تربیت می کند، به گونه ای که نخست اندیشه اش را با شناخت صفات پروردگار، سالم سازی می کند و با این شناخت، او را به استقبال قلبیِ مفهوم اخلاص می کشاند.

انحراف فرد مشرک، در آن است که دیگران را در امور زندگی مؤثر می داند و می پندارد آنها می توانند به وی سود یا زیان برسانند. بنابراین، به آنها امید می بندد و از ایشان می ترسد. در این شرایط، اعمالش را به منظور جلب رضایت آنها به انجام می رساند و از اخلاص فاصله می گیرد. امام علی(ع) نیز در حدیثی زیبا، ریشه اخلاص را ناامیدی از آنچه در دستان مردم است، معرفی می کند.(۱)

دو ــ انگیزه های انحرافی و ناپاک

دو ــ انگیزه های انحرافی و ناپاک

انگیزه های نادرست و ناپاکی که از پیروی هوا و هوس ناشی می شوند، در سلب اخلاص رفتاری، تأثیر فراوانی دارند. انگیزه هایی مانند دنیاطلبی؛ شهرت خواهی؛ خودبرتربینی(کبر) و خودبینی(عجب)، عوامل مهمی برای جلوگیری و یا سلب اخلاص در رفتار هستند.

امام علی(ع) در استفهامی انکاری، سلب اخلاص بر اثر پیروی از انگیزه های باطل را این گونه بیان می دارد: «کَیفَ یَستطیعُ الاِخْلاصَ مَنْ یَغلبُه الهَوی؛ چگونه کسی که هوس بر او چیره گشته، می تواند اخلاص داشته باشد!»(۲) آرزوهای مادی طولانی نیز که یکی از مظاهر انگیزه های انحرافی است، نقش فراوانی در سلب توفیق معنوی، به ویژه اخلاص دارند؛ زیرا انسان تمام توان و استعداد خود را با هدف تحقق بخشیدن آرزوهایش هزینه می کند.

۱- «اصلُ الاخلاص الیأسُ مِمّا فی اَیدیِ الناسِ»، میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۴۳۴، ح ۴۸۰۱.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۰۶۰، ح ۷۰۰۵.

ازاین رو، کسی که دارای آرزوهای مادی، آن هم طولانی است، نمی تواند کاری را برای خدا و از روی اخلاص انجام دهد؛ چون همه تلاشش را برای رسیدن به آرزوهای خود به کار بسته است. امام علی(ع)، که مربی و معلم اخلاص است، راه کسب اخلاص را چنین بیان می کند: «قَلِيلِ الآمالَ تَخْلُصْ لَکَ الْاعمالُ؛ آرزوهایت را کم کن تا اعمالت خالص شود».(۱)

ط) اسباب سلب عفت

اشاره

ط) اسباب سلب عفت

عفت به معنای خودداری از امیال و خواهش های نفسانی نابه جا است. البته در هر مورد، معنای مخصوص به خود دارد. برای مثال، عفت فرد تهی دست، به قناعت است و عفت ثروتمند، به حفظ خود از امیال نابه جایی است که بر اثر ثروت زیاد حاصل می شود و عفت در امور جنسی به خودنگهداری در برابر درخواست های حرام این قوه نفسانی است.(۲)

موردی که در اینجا منظور است، مورد سوم یعنی عفت جنسی است. ازاین رو، در این قسمت به عواملی می پردازیم که عفت جنسی را از بین می برند. پیش از پرداختن به این عوامل، برای درک اهمیت این صفت کمالی و انسانی چند روایت را بررسی می کنیم:

ـ امام علی(ع): «برترین عبادت، عفت است».(۳)

ـ امام علی(ع): «فرد شهید، بالاتر از کسی که توانایی گناه دارد، اما عفت می ورزد، نیست. نزدیک است که عفیف از فرشتگان شود!»(۴)

ـ امام علی(ع): «عفت سرمایه هر خیر است».(۵)

۱- میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۴۳۴، ح ۵۷۹۹.

۲- حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰، ج ۸ ص ۱۸۱.

۳- میزان الحکمه، ج ۸ ص ۳۸۲۲.

۴- میزان الحکمه، ج ۸ ص ۳۸۲۲، ح ۳۸۲۳.

۵- میزان الحکمه، ج ۸ ص ۳۸۲۲، ح ۳۸۲۴.

ـ رسول خدا صلی الله علیه و آله: «برترین عفت نزد خدا، عفت شکم و شرمگاه است».(۱)

ـ امام علی(ع): «زمانی که خدا خوبی بنده ای را بخواهد، به او عفت شکم و شرمگاه می دهد».(۲)

برخی از عوامل سلب این صفت زیبا عبارتند از:

یک ـ غفلت از حضور خدا

یک ـ غفلت از حضور خدا

فرد بی ایمان، خدا را فراموش کرده است و متوجه حضور آگاهانه او و نظارت کاملش بر تمام امور پیدا و پنهان جهان نیست. به راحتی در خلوت ها عفت خود را از دست می دهد و مرتکب گناه می شود. اما آن که خدا را بر تمام اعمال و حتی نیت ها و تصویرهای ذهنی خود ناظر و آگاه می داند، در حضور خدا شرم می کند و گناه نمی کند. راه بهبود، چنین غفلتی، تقویت شناخت و ایمانش به خدا و درک اوصاف زیبای او و به ویژه رسیدن به علم و معرفت حضور اوست.

قرآن کریم، این کتاب تربیتی الهی، پس از آنکه مؤمنان را به فروبستن چشم ها از نگاه های حرام دستور می دهد، عامل بازدارندگی آن را نیز گوشزد می کند: «به مردان باایمان بگو! دیده فرو بندند و پاک دامنی ورزند...؛ زیرا خدا به آنچه می کنند، آگاه است.» (نور: ۳۰) و در آیه ۱۴ از سوره علق با شگفتی، در مورد گناهکار می پرسد: «أَلَمْ یَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ یَرَی؛ مگر ندانسته که خدا می بیند؟!»

داستان حضرت یوسف(ع) و زلیخا موردی روشن برای مطالب بالاست. زلیخا که ایمانی به حضور خدا نداشت به منظور کام جویی از حضرت یوسف(ع) درهای آن قسمت از قصر را بست، غافل از اینکه خدا همه جا حاضر و ناظر است. به درستی اگر او به حضور و شهود

۱- میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۸۲۲، ح ۳۸۲۵.

۲- میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۸۲۲، ح ۳۸۲۶.

خدای دانا ایمان داشت، همچون یوسف، حتی در خلوت ترین خلوتگاه ها نیز شرم و حیا و عفتش را نگه می داشت.

دو _ محیط های آلوده

دو _ محیط های آلوده

محیط های آلوده به گناهان جنسی چه محیط خانه و چه اجتماع، عفت جوانان را به تباهی می کشانند و گاه چنان بر روح و روان فرد اثر می گذارند که از خود بی خود شده و صحنه هایی پرفساد و همراه با جنایت های هولناک را می آفریند.

حضور زنان بی حجاب و بدحجاب در محیط جامعه، عفت عمومی را تهدید می کند و به همین علت، اسلام نیز حرام کردن آلوده سازی محیط بر عموم مسلمانان، نظارت عمومی و امر به معروف و نهی از منکر را که در واقع راهکارهایی برای پاک سازی محیط هستند، واجب کرده است.

امروزه محیط اعم از محیط های فردی، اجتماعی، جغرافیایی، فرهنگی و روانی از مهم ترین عوامل تربیت افراد شناخته شده است(۱) و بنابراین، توجه کافی به سالم سازی آن از سوی عموم مردم و مسئولان جامعه بسیار شایسته و لازم است. خداوند متعال در آیات سوره نساء می فرماید:

[وقتی] فرشتگان جان کسانی را که بر خویشتن ستم کار بوده اند می گیرند، می گویند: «در چه [حال] بودید؟» پاسخ می دهند: «ما در زمین از مستضعفان بودیم.» [فرشتگان] می گویند: «مگر زمین خدا وسیع نبود تا در آن مهاجرت کنید! پس آنان جایگاه شان دوزخ است، و [دوزخ] بد سرانجامی است».(۲)

سه _ نگاه های حرام

سه _ نگاه های حرام

اسلام با تدبیری تربیتی، برای جلوگیری از انجام گناهان بزرگ، زمینه های دور و نزدیک آنها را نیز حرام کرده تا سرچشمه را مهار و از جریان سیل

۱- نک: روان شناسی تربیتی، صص ۷۹ _ ۸۳.

۲- نک: نساء: ۹۷.

جلوگیری کند و از آن جا که چشم، درگاه دل و دل مرکز طغیان امیال جنسی است، نگاه شهوت آمیز را حرام کرده است. هر نگاه شهوت انگیز در واقع کاشتن بذر بی توفیقی بر مزرعه قلب هاست. از حضرت عیسی(ع) نقل شده که فرمود:

لاتَکُونَنَّ حَدیدَ النَّظرِ الی ما لَیسَ لَکَ فَاِنَّه لَنْ یَزنی فَرجُکَ ما حَفِظْتَ عَینَکَ، فَاِنْ قَدرتَ اَنْ لاتَنْظُرَ الی ثوبِ المَرأه التی لا تَحِلُّ لَکَ فَافْعَل.(۱) هرگز به آنچه (به زنی) به تو تعلق ندارد خیره مشو! زیرا تا زمانی که چشم خود را نگهداری، هرگز مرتکب زنا نشوی! اگر می توانی حتی به جامه زن نامحرم نیز نگاه نکنی، چنین کن.

چهار ـ غنا و موسیقی حرام

چهار ـ غنا و موسیقی حرام

آوازهای هیجان انگیز و آهنگ های مناسب با مجالس لهو و لعب، زمینه ساز غفلت و گناهانی مانند فسادهای جنسی، ناهنجاری های اجتماعی و خشونت های بدنی است. از این رو، از نظر دین اسلام حرام خوانده می شود.

آوازها و موسیقی های تند و پرهیجان، امیال شهوانی انسان را تحریک می کند و عفت انسانی را به خطر می اندازد. پیشروی در این مسیر، موجب آلایش تدریجی به گناهان جنسی می شود.

موسیقی، عزم و اراده انسان را سست و او را از درک واقعیت خارج ناتوان می کند و البته به روانش نوعی تسلی مجازی می دهد و چون اسلام می خواهد انسان ها با واقعیت ها روبه رو شوند، با چنین موسیقی مخالفت می ورزد.

ی) عوامل محروم ماندن از شفاعت

اشاره

ی) عوامل محروم ماندن از شفاعت

شفاعت به معنای ملحق کردن و همراه کردن چیزی یا شخصی به دیگری برای رسیدن به مقصودی یا به منظور رفع عیب اوست.(۲) منظور از

۱- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۲۱۴، ح ۷۶۵۷.

۲- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۶، ص ۸۳.

شفاعت در اینجا، پایمردی صالحان در قیامت برای بخشایش گناه فرد یا بالارفتن درجه اوست. در قرآن کریم و روایات شیعه، شفاعت صالحان به ویژه شفاعت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله حتمی و مورد نیاز همه انسان هاست؛ چراکه در گرفتاری شدید روز قیامت، همه به بخشش یا ترفیع درجه نیازمندند. به همین دلیل حضرت امام صادق(ع) فرمود: «هیچ کس از اولین و آخرین انسان ها نیست، مگر آنکه به شفاعت محمد صلی الله علیه و آله در روز قیامت نیاز دارد!»

بنابر آنچه از قرآن و حدیث به دست می آید، روشن است که، در قیامت شفاعت شامل هر انسانی نمی شود، بلکه شرایطی لازم است تا لایق این توفیق شود. با این حال، محروم ماندن از آخرین دستاویز نجات در قیامت بسی دردناک و روح گداز است. به همین جهت، بررسی عوامل سلب این توفیق الهی بسیار پراهمیت است. برخی از عوامل سلب توفیق شفاعت عبارتند از:

یک ــ شرک و ظلم

یک ــ شرک و ظلم

شرک که خود، جلوه واقعی بزرگ ترین ظلم انسانی است، عامل مهمی برای محروم ماندن از شفاعت است. در توضیح دلیل آن باید گفت که مشرک به جای روی آوردن به شفیع حقیقی، خدایان دیگر را برای شفاعت برمی گزینند. این در حالی است که خدای سبحان، تنها به افرادی خاص اذن شفاعت داده است و در واقع به معبودان دروغین چنین اختیار و اذنی نداده است. ازاین رو، ایشان در عرصه قیامت بی یار و یاور رها خواهند شد. قرآن کریم در دو آیه زیر این مسئله را چنین بیان می دارد: مشرکان در توجیه پرستش بت ها می گفتند: «هؤلاءِ شُفَعاءُنا عِندالله؛ اینها نزد خدا شفاعت گران ما هستند.» (یونس: ۱۸) اما در قیامت به آنها گفته

می شود: « وَ ما نَری مَعَکُمْ شُفَعاءَکُمُ الّذینَ زَعَمْتُمْ أَنّهُمْ فیکُمْ شُرَکاءُ؛ شفیعانی را که در [کار] خودتان، شریکان [خدا] می پنداشتید با شما نمی بینیم!» (انعام: ۹۴) در حدیث نیز می خوانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

وَ امّا شفاعَتی فَفی اَصحابِ الْکَبائِرِ ما خَلا اَهلِ الشِرکِ وَ الظُّلم.(۱)

شفاعت من در مورد مرتکبان گناهان کبیره جاری است مگر مشرکان و ستمگران.

دو _ دشمنی با اهل بیت(ع)

دو _ دشمنی با اهل بیت(ع)

دومین عاملی که موجب سلب توفیق شفاعت است، دشنام و دشمنی با اهل بیت(ع) است؛ چراکه دشمنی با ایشان همانند شرک، روی گردانی از وسیله های واقعی شفاعت است.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: «شَفاعَتی لِاُمّتی مَنْ اَحَبَّ اَهل بَیتی؛ شفاعت من شامل فردی از امتم می شود که اهل بیتم را دوست بدارد.»(۲) و همچنین امام صادق(ع) فرمود:

لوانَّ الملائکةَ المقربینَ و الانبیاءَ المرسَلینَ شَفَعَوا فی ناصبٍ ما شُفِّعوا. (۳)

حتی اگر فرشتگان مقرب و پیامبران فرستاده شده، درباره فردی ناصبی (دشمن و دشنام دهنده اهل بیت) شفاعت کنند، شفاعتشان پذیرفته نمی شود.

سه _ سبک شمردن نماز

سه _ سبک شمردن نماز

عامل دیگری که شفاعت صالحان را از انسان سلب می کند، سبک شماری نماز و بی اهمیتی به آن است. سبک شمردن نماز گناهی غیر از گناه ترک نماز است و شامل مصداق های فراوانی چون بی توجهی به

۱- میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۷۹۲، ح ۹۴۹۱.

۲- علاءالدین علی متقی هندی، کنزالعمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مکتبه التراث الاسلامی، ۱۳۸۹ ه_ . ق، چ ۱، ج ۱۲، ح ۳۴۱۷۹.

۳- میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۷۹۰، ح ۹۴۹۰.

وقت نماز، کسالت هنگام نماز و بی اهمیتی به آداب آن می شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی سوگند یاد می کند که شفاعتش شامل سبک شمارنده نماز نمی شود:

به خدا سوگند، کسی که نمازش را سبک بشمارد، به شفاعت من دست نمی یابد و در کنار حوض (کوثر) بر من وارد نمی شود.(۱)

امام صادق(ع) در آخرین لحظه های عمر شریفش و هنگامی که در بستر شهادت افتاده بود، دستور به جمع آوری بستگان داد و فرمود: «لَنْ تَنالُ شَفاعَتُنا مَنِ اسْتَخفَّ بِالصَّلاهِ؛ هرگز شفاعت ما به سبک شمارنده نماز نمی رسد».(۲)

۲. عوامل اجتماعی سلب توفیق

اشاره

۲. عوامل اجتماعی سلب توفیق

موفقیت در فعالیت های اجتماعی، ضامن بقای حیات جمعی فرد و میزان اثرگذاری او بر محیط و جامعه است. نقش آفرینی انسان ها در جامعه در گروی موفقیتشان در فعالیت های اجتماعی آنهاست . منظور از اجتماع تمام محیط های جمعی است که شامل خانواده، محیط کار، محل زندگی و حتی عرصه جهانی است. چه بسیارند انسان هایی که در کارهای شخصی خود موفقند، اما در عرصه اجتماع ناکام و ناموفق ظاهر می شوند. ازاین رو، کارآمدی اجتماعی نمی یابند و جایگاه خود را از دست می دهند. حقیقت آن است که تأثیرگذاری در اجتماع نوعی توفیق است؛ زیرا انسان موجودی اجتماعی آفریده شده که رسیدن به بسیاری از هدف هایش و شکوفایی برخی از استعدادهایش به حضور اثرگذار او در جامعه بستگی دارد.

۱- میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۷۹۰، ح ۹۴۸۵.
۲- میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۷۹۰، ح ۹۴۸۶.

به دیگر سخن، آنچه می توانـد پدیدآورنـده اجتمـاعی پـاک و موفق باشـد، دین گرایی افراد است. بنـابراین، توفیق اجتماعی، وابستگی شدیدی به رعایت احکام اجتماعی اسلام و نیز پذیرش و احترام به سنت های الهی حاکم بر جامعه و تاریخ دارد.(۱)

ناگفته نماند که اسـلام، هر فردی را که اثر بیشتری در اجتماع داشته باشد، موفق نمی شمرد بلکه شخصی را موفق اجتماعی می داند که وظایف اجتماعی خود را براساس دستورهای دینی انجام دهد.

الف) علل ناکامی در روابط جمعی

اشاره

الف) علل ناکامی در روابط جمعی

زیر فصل ها

یک ــ خودمحوری

دو ــ بدرفتاری و ترش رویی

سه ــ بی عدالتی

یک ــ خودمحوری

یک ــ خودمحوری

بزرگ ترین عامـل گوشه گیری و تنهـایی فرد، خودمحوری است. خودمحوری از صـفاتی زشت ماننـد دنیـاطلبی، خودپسـندی (عجب) و خودبزرگ بینی (کبر) ریشه می گیرد. این صـفت کم کم در سراسر زندگی فرد شاخ و برگ می دهد و رفتارهایی سودجویـانه برای او رقـم می زنـد. به همین جهت، فرد خودمحـور هرگز نمی توانـد ارتبـاطی دوسـتانه و مـوفقیت آمیز حـتی با نزدیکان خود داشته باشد.

یکی از آداب اجتمـاعی بسیار مهم، حفـظ حرمت و جایگـاه افراد است که انسـان خودمحور آن را نادیـده می گیرد و به خود اجازه تجاوز به حقوق افراد پیرامون را می دهد. انسان خودمحور به دلیل خودپسندی، دیگران را حقیر می شمارد و اعمال آنها را ناچیز می انگارد،(۲) در نتیجه کم کم، تنها می ماند و این تنهایی اش به درون خودش نیز کشیده می شود

۱- نک: محمدحسین طباطبایی، روابط اجتماعی در اسلام، قم، دفتر انتشارات اسلامی،۱۳۸۲، چ ۱، صص ۸ ــ ۱۶.

۲- نک: روح الله موسوی خمینی رحمه الله، شـرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۴،

چ ۶، ص ۶۸.

و وحشت، وجودش را فرا می گیرد. به همین علت، امام علی(ع) آن را وحشت انگیزترین تنهایی معرفی می کند.(۱)

دو ــ بدرفتاری و ترش رویی

دو ــ بدرفتاری و ترش رویی

از دیدگاه قرآن کریم، بزرگ ترین، بلکه یگانه رمز موفقیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ارتباط اجتماعی، خوش خویی او بود. خداوند در کلامی از قرآن به پیامبر اعلام می کند: اگر تندخو و بداخلاق بود، همه مردم از اطراف او پراکنده می شدند.(۲)

بداخلاقی، به هر رفتار ناهنجاری گفته می شود که افراد پیرامون انسان را ناراحت می کند، درحالی که مرتکب اشتباهی نشده اند. قرآن این کتاب جامعه ساز، با تأکید فراوان بر نرم خویی و خوش اخلاقی، به پاک سازی و برطرف کردن بدرفتاری های دیگران، با نیک رفتاری های متقابل سفارش می کند:

و نیکی و بدی یکسان نیستند. [بدی را] به آنچه خود بهتر است دفع کن، آن گاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است، گویی دوستی یک دل می شود.(۳)

بدرفتاری بر گسستن ارتباط ها چنان تأثیر می گذارد که امام علی(ع) فرمود: «سُوءُ الخُلقِ یُوحِشُ القریبَ وُ یَنّفرُ البَعید؛ بدخویی نزدیکان را فراری می دهد و بیگانه را متنفر می سازد».(۴)

امام علی(ع) در وصیت خود به فرزندش، محمد حنفیه، می فرماید:

زنهار از خودپسندی و بدخویی و کم صبری؛ زیرا با وجود این سه خصلت، هیچ دوستی برای تو باقی نمی ماند و مردم از تو کناره گیری می کنند!(۵)

۱- نک: «لاوَحدَه اوحشُ مِنَ العُجب.» میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۴۴۸، ح ۱۱۷۹۱.
۲- نک: آل عمران: ۱۵۹.
۳- «وَ لاتَستَوِی الْحَسَنَهُ وَ لَاالسّیِّئَهُ ادْفَعْ بِالّتی هِیَ أَحْسَنُ فَإِذَا الّذی بَیْنَکَ وَ بَیْنَهُ عَداوَهٌ کَأَنّهُ وَلِیّ حَمیمٌ». (فصلت: ۳۴)
۴- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۵۳۶، ح ۵۰۹۲.
۵- میزان الحکمه، ج ۶، ص ۳۰۲۲، ح ۱۰۲۹۶.

ملاـک برقراری ارتباط اجتماعی سالم، تنها داشتن ویژگی ها و مهارت های شخصی نیست؛ چراکه گاهی فردی که ویژگی های چندانی ندارد، اجتماع او را می پذیرد و جایگاه خوبی می یابد.

سه ـ بی عدالتی

سه ـ بی عدالتی

عدل به معنای قرار گرفتن هر چیز در جای خود و ادای حقوق و حفظ جایگاه عموم، از محکم ترین رشته های ارتباطات جمعی است. بی عدالتی که همان ستم و تجاوز به حق دیگران است، از اثرگذارترین عوامل سلب توفیقات روابط اجتماعی است. ظلم و بی عدالتی که بدترین نوع بدرفتاری و بداخلاقی است، شیرازه وحدت و پیوند قلبی افراد را می گُسلد. مردم برای انسان ستمگر هیچ جایگاهی نمی بینند. ازاین رو، هرگز با او ارتباط برقرار نمی کنند. در روایات دینی، عدل «محکم ترین شالوده»، «سپر دولت ها»، «نگهدارنده عموم» و مایه ماندگاری حکومت شمرده شده(۱) و ظلم و ناعدالتی، علت سستی حکومت و هلاکت جامعه معرفی شده است.

ب) عوامل بی توفیقی در تربیت خانواده

اشاره

ب) عوامل بی توفیقی در تربیت خانواده

چه بسیارند تربیت یافتگانی که توفیق تربیت اعضای خانواده خود را نمی یابند. این در حالی است که تربیت خانواده وظیفه دینی سرپرست خانواده و جزو افتخارهای اوست. از نظر قرآن سرپرست خانواده، مرد است و در برابر تربیت معنوی اعضای خانواده مسئولیت جدی دارد؛ «الرِّجالُ قَوّامُونَ عَلی النِّساء؛ مردان سرپرست زنانند.» (نساء: ۳۴) «یا اَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا قوا اَنْفُسَکُم وَ اَهلیکُم ناراً؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! خودتان و کسانتان را از آتش حفظ کنید.» (تحریم: ۶) «وَاْمُر اَهَلَکَ بالصَّلاهَ وَاصْطَبِرْ عَلَیها؛ و کسان خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکیبا باش». (طه: ۱۳۲)

۱- میزان الحکمه، ج ۷، صص ۳۴۹۲.

علت یا علت های سلب چنین توفیقی، بیشتر به سرپرست خانه گرچه در برخی موارد این چنین نیست. برخی از عللی که به سرپرست خانه مربوط است و سبب سلب توفیق تربیت خانواده اش می شود، در ادامه می خوانیم:

یک ـ احساس بی مسئولیتی والدین

یک ـ احساس بی مسئولیتی والدین

در فرهنگ تربیتی اسلام برای همه انسان ها مسئولیت های ویژه ای تعریف شده که یکی از آنها مسئولیت در برابر تربیت دینی خانواده است.

قرآن کریم، به مؤمنان دستور می دهد که خانواده خود را از انحراف هایی که موجب عذاب است حفظ کنند.(۱) این مسئله به جز با احساس مسئولیت جدی از سوی سرپرست خانه و برنامه ریزی های لازم امکان پذیر نیست.

فردی که چنین احساسی ندارد، در راه تربیت دینی خانواده نمی کوشد و از آن محروم می شود. احساس این مسئولیت مهم، شرط نخستین برای توفیق در امر بزرگ تربیت خانواده است.

قرآن کریم در دستوری کوتاه سرپرست خانه را مکلف به فرمان دادن اعضای خانواده به نماز می کند که علت انتخاب نماز از بین دیگر واجبات الهی، به جهت نقش کلیدی این برنامه معنوی در جلوگیری از انحراف هاست. «وَ أْمُر اَهْلَکَ بالِصَّلاهِ وَاصْطَبِر عَلَیها؛ و کسان خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکیبا باش.» (طه: ۱۳۲) «إِنَّ الصَّلاهَ تَنْهَی عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْکَرِ؛ نماز از کار زشت و ناپسند باز می دارد». (عنکبوت: ۴۵)

دو ـ بی برنامگی و روش های نادرست

دو ـ بی برنامگی و روش های نادرست

از فراگیرترین عوامل محروم ماندن از توفیق تربیت خانواده، نبود برنامه ریزی درست و نیز به کارگیری روش هایی است که از نظر

۱- نک: تحریم: ۶.

روان شناسی تربیتی و آموزه های دینی نادرست است و علت اصلی این مطلب، در واقع ناآگاهی به محتوای دین و روش های تربیتی مناسب است.

حقیقت آن است که برای پرورش استعدادهای درون انسان و رشد آنها، آگاهی داشتن و مهارت در برنامه ریزی صحیح و به کارگیری روش پرورشی لازم و ضروری است که امروزه در علوم روان شناسی امری روشن و اثبات شده است.

به راستی چگونه است که همگی به بهره وری بهینه کشاورزی پیشرفته و دامداری نوین باور دارند و بهره کشی فراوان از آنها را در گروی برنامه و روش های جدید و صحیح می دانند، اما انسان را که وجودی بس پیچیده تر و البته والاتر دارد، می توان در وادی تربیت رها کرد تا خودرو رشد کند؟ از این رو، بر هر که خود را سرپرست خانواده می داند، کسب آگاهی لازم در برنامه ای مدون و به کارگیری روش های تربیتی، لازم و واجب است.

امام علی(ع) فرمود:

یا کمیلُ ما مِنْ حَرکَهٍ اِلّا وَ اَنْتَ مُحْتاجٌ فیها اِلی مَعرفهٍ.(۱)

ای کمیل! هیچ حرکتی نیست مگر اینکه تو در آن نیازمند به شناخت هستی.

والدین دل سوز اما ناآگاه که با شیوه های تربیتی طاقت فرسا قصد رشد فرزندان را دارند، نه تنها موفق نمی شوند، دانه های نفرت را از همان دوران نوجوانی در دل فرزندان خود می نشانند. اینان از روش قرآن کریم ناآگاهند که حتی برای دعوت فرعون نیز تأکید بر استفاده از کلامی نرم می کند.(۲) همچنان که رمز پیروزی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را نرم دلی و نرم خویی می داند.(۳)

۱- تحف العقول، ص ۱۶۵.
۲- «فَقُولا لَهُ قَوْلاً لَيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشى؛ پس با او سخنی نرم گویید، شاید که پند پذیرد یا بترسد!» (طه: ۴۴)
۳- «[ای پیامبر] پس به مهر و رحمت از سوی خدا با آنان نرم خو شدی، و اگر درشت خوی و سخت دل بودی از پیرامونت پراکنده می شدند...». (آل عمران: ۱۵۹)

سه ــ حرام خواری

سه ــ حرام خواری

تأمین روزی حلال، از حقوق اعضای خانواده بر سرپرست ایشان است؛ زیرا مال حرام برای مانع شدن از تعالی روح مانند سمّ برای جسم است و همان گونه که مسئول خانواده باید غذای سالم تهیه کند، تا جسم اعضای خانواده در سلامت باشد و رشد کند، در حلال بودن آن هم باید دقت کامل داشته باشد تا روح ایشان نیز در سلامتی معنوی و رشد و کمال قرار گیرد. رسول اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

حَقُّ الوَلَدِ عَلی والِدِه اَنْ یُعَلِّمَهُ الکِتابَ وَ السِّباحَهَ، وَ الرِّمایَه وَ اَنْ لایَرزُقَهُ اِلّا طَیباً.(۱)

حق فرزند بر پدرش آنست که قرآن و شنا و تیراندازی را به او بیاموزد و به جز غذای حلال به او ندهد.

نقل شده جوانی مؤمن به مادر خود گفت: برخی از اوقات حال عبادتم ضعیف می شود و احساس تاریکی درون می کنم! اما این درحالی است که نه اهل حرام خواری هستم و نه با دوستان ناباب هم نشینی دارم! پس از تحقیق زیاد به این نتیجه رسیدم که مسئله را با شما مطرح کنم، شاید عامل این حالت از شما به من رسیده باشد. مادر در جواب به او گفت: آری پسرم، وقتی که باردار تو بودم، پدرت در سفر بود و فصل زردآلو رسیده بود و من نمی توانستم از خانه خارج شوم و زمینه خرید زردآلو را نداشتم. برای پهن کردن لباس به پشت بام رفتم، چشمم به زردآلوی زیادی افتاد که همسایه برای خشک کردن پهن کرده بود. به اندازه چشیدن، اندکی از یکی از آن زردآلوها را خوردم و البته بعد پشیمان شدم، ولی خجالت کشیدم که عذرخواهی کنم.(۲)

۱- میزان الحکمه، ج ۱۴، ص ۷۱۰۲، ح ۲۲۷۳۴.

۲- نظام خانواده در اسلام، ص ۴۳۹.

چهار _ آلودگی محیط خانه

چهار _ آلودگی محیط خانه

یکی دیگر از عواملی که تلاش سرپرست خانواده را در امر تربیت خانواده بی اثر می کند، آلودگی محیط خانه به گناهان، ابزارهای گناه و رفتارهایی است که زمینه ساز فساد و انحراف هستند.

آلودگی های محیط خانواده گاه در مصداق های گناهان و گاه در رفتارهای جنسی زن و شوهر در خانه و در مقابل دیگران(۱) و گاهی وجود عکس ها و فیلم ها و صحنه های تحریک آمیز و یا اعتیادها و نیز وجود کتاب های منحرف کننده تحقق می یابد. آنچه مسلّم است اینکه قبل از شروع به تلاش های تربیتی، ابتدا باید محیط خانه را از هرگونه عوامل انحرافی پاک سازی نمود وگرنه توفیق تربیت خانواده حاصل نمی گردد.

ج) علل ازدواج های ناموفق

اشاره

ج) علل ازدواج های ناموفق

ازدواج، آغاز تشکیل کانون محبت و رشد و تعالی مرد و زن و بیرون آمدن از حد و مرزهای فردی و گام نهادن در یک بنیاد جمعی است. روشن است که این همه، در سایه ازدواج موفق، حاصل می گردد. از نظر اسلام که خانواده را به عنوان دوست داشتنی ترین تشکل نزد خدا می داند،(۲) ازدواجی موفق است که نتیجه هایی چون آرامش، مودّت و محبت (روم: ۲۱)، فرزندانی صالح(۳) و تأمین خوش بختی دنیا و آخرت را به دنبال داشته باشد. بنابراین، نشانه ازدواج ناموفق تنها آن نیست که به طلاق

۱- نک: عباس اسماعیلی یزدی، فرهنگ تربیت، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۲۳.
۲- رسول خدا صلی الله علیه و آله: «ما بُنی فِی الاِسْلام بِناءٌ اَحبَّ اَلَی اللهِ عَزّوجلَّ، و اَعزَّ مِنَ التَّزویج؛ در اسلام هیچ بنایی ساخته نشد، که نزد خدای عزوجل محبوب تر و ارجمندتر از ازدواج باشد». میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۲۴۸.
۳- رسول خدا صلی الله علیه و آله: «مِنْ سَعادَهِ الرَّجُلِ الْوَلَدُ الصّالِحُ؛ از خوش بختی و سعادت مندی فرد، داشتن فرزند صالح است». میزان الحکمه، ج ۱۴، ص ۷۰۸۴.

ختم شود، بلکه دایره ای وسیع تر دارد. ناموفقی در ازدواج علت هایی دارد که با شناخت آنها می توان برای رفعشان چاره اندیشی کرد. برخی از آن عوامل عبارتند از:

یک _ ناهمگونی

اشاره

یک _ ناهمگونی

همگونی همسر، چه مرد و چه زن، از جهت موقعیت دینی و اجتماعی و اقتصادی، می تواند به پایداری و کام یابی ازدواج کمکی مؤثر داشته باشد. قرآن کریم هم کُفوی را در امر ازدواج پذیرفته و بر آن تأکید می ورزد.

الْخَبیثاتُ لِلْخَبیثینَ وَ الْخَبیثُونَ لِلْخَبیثاتِ وَ الطّیّباتُ لِلطّیّبینَ وَ الطّیّبُونَ لِلطّیّباتِ أُولئِکَ مُبَرّؤُنَ مِمّا یَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَهٌ وَ رِزْقٌ کَریمٌ. (نور: ۲۶)

زنان پلید برای مردان پلیدند و مردان پلید برای زنان پلیدند و زنان پاک برای مردان پاکند و مردان پاک برای زنان پاک، اینان از آنچه درباره ایشان می گویند برکنارند، برای آنان آمرزش و روزی نیکی خواهد بود.

و در مورد زناکاران می فرماید:

الزّانی لا یَنْکِحُ اِلّا زانیهً اَو مُشرِکَه و الزّانیهُ لاینکُحها الّا زانٍ اَوْ مُشرِکٍ وَ حُرِّمَ ذلِکَ عَلَی الْمؤمِنین. (نور: ۳)

مرد زناکار، جز زن زناکار یا مشرک را به همسری نگیرد، و زن زناکار را جز مرد زناکار یا مشرک به زنی نگیرد، و بر مؤمنان این [امر] حرام گردیده است.

و در جای دیگر ازدواج مؤمنان را با مشرکان زیبارو یا ثروتمند اجازه نداده و بردگان مؤمن را برتر از چنین همسرانی معرفی می کند.(۱)

آری! اگر انتخاب در بین مؤمنان باشد، هرچه همگونی از جهات مختلف رعایت شود، توفیق در تشکیل و بقای خانواده را ممکن تر می سازد؛ همگونی هایی در جهت سن، سطح سواد و جایگاه فرهنگی

۱- نک: بقره: ۲۲۱.

خانواده. روشن است که با وجود همگونی دینی و مذهبی همراه با برخورداری از آموزه های تربیت دینی، ناهمگونی های دیگر را می توان تحمل و یا به همگونی تبدیل کرد.(۱) به همین دلیل، امام صادق(ع) همگونی دینی و سازگاری برخوردی را اساس هم کفوی معرفی می کند.(۲) بنابراین، بدون همگونی ایمانی و دینی، ازدواج ناموفق و بدون خیر و برکت خواهد بود، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «کسی که دختر باکرامتش را به فرد بی دین و فاسقی دهد هر روز هزار مرتبه لعنت بر او نازل می شود».(۳)

ازدواجی نامبارک

ازدواجی نامبارک

نقل شده جوانی در مسجد اذان می گفت. روزی از همان بالا به خانه همسایه نظر انداخت، چشمش به دختری زیبارو افتاد و به او دل بست. پس از اذان در آن خانه را کوبیده و از او خواستگاری کرد. پدر دختر به جوان گفت: ما «آشوری» مذهب هستیم، و اگر تو مذهب ما را می پذیری، منعی ندارم. جوان هوسران، بی تناسبی مذهبی بین خود و دختر را پذیرفت و این گونه از مکتب توحید به عرصه شرک روی آورد. روز عقد فرا رسید و در همان لحظه اجل دختر رسید و از پله افتاد و مُرد.(۴)

دو ـ بی دینی

دو ـ بی دینی

ازدواج نردبان رسیدن به هدف های والایی است که فرد مجرد بدان ها نمی رسد. رسیدن به آن دسته از اهداف که پیش شرط عبور از خود را می طلبند، زمانی ممکن است که شریک زندگی نیز با انسان (دین دار)

۱- نظام خانواده در اسلام، ص ۱۵۸.

۲- «الکُفْوُ ان یکونَ عفیفاً و عِنده یَسارٌ؛ همگون کسی است که باعفت و آسان گیر باشد». بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۷۲.

۳- «مَنْ زَوَّجَ کریمَتهُ مِنْ فاسقٍ نَزَلَ عَلَیْهِ کُلَّ یَومٍ اَلفُ لَعْنَهٍ». مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۲۷۹.

۴- نظام خانواده در اسلام، ص ۱۷۹.

همسو و متدین باشد وگرنه ازدواج، ناموفق خواهد بود و نردبان تکاملشان واژگون است. برای مثال، فردی که بر اثر بی دینی دنیاگراست، تمام تلاش خود را برای دنیاداری هزینه می کند و هرگز قدمی به سوی معنویت برنداشته، بلکه سرمایه های معنوی خود را در آن مسیر به هدر می دهد. یا فرد شراب خواری که بی دینی، او را به سوی این عمل نابخردانه کشانیده است محیط خانه را نابسامان و گرفتار توفان های هوس خویش می سازد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دراین باره می فرماید:

هر کس پس از شنیدن حکم خدا در مورد حرمت شراب، شراب بخورد، زمانی که به خواستگاری آمد، هیچ خانواده ای با او وصلت نکند.(۱)

در روایات اسلامی به مواردی برمی خوریم که در کنار دین داری خود فرد، بر دین داری خانواده اش نیز تأکید می کند. به همین دلیل، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از ازدواج با فردی که خانواده اش فاسد است هرچند هم زیبارو باشد، منع فرمود.(۲)

با بررسی آمار طلاق می توان گفت که در بسیاری از موارد، علت طلاق، بی دینی مرد یا زن در یکی از جهات آداب معاشرت، عفت و پاک دامنی، رعایت حق و حقوق همسر و... بوده است. افزون بر این، از دیدگاه اسلام اگر چنین ازدواجی هم به طلاق ختم نشود و ادامه پیدا کند، باز هم ناموفق است؛ زیرا بخشی از اهداف مهم ازدواج که همان جنبه تربیتی و تکاملی آن است، آسیب می بیند.

۱- اصول کافی، ج ۵، ص ۳۴۸.

۲- «اِیاکُم وَ خَضراءَ الدّمَنِ قیلَ یا رَسولَ اللهِ صلی الله علیه و آله وَ ما خَضراءُ الدّمَنِ قالَ: اَلْمَرأةُ الحَسناءُ فی مَنبتِ السّوءِ؛ از سبزه مزبلَه پرهیز کنید! گفته شد ای رسول خدا صلی الله علیه و آله سبزه مزبله چیست؟ فرمود: زنی زیبا که از خانواده ای فاسد باشد.» اصول کافی، ج ۵، ص ۳۳۲.

سه ـ نابخردی

سه ـ نابخردی

خردورزی از ویژگی انسان است که به وسیله آن به مقام حقیقی یک انسان می رسد. ازاین رو، دست یابی به توفیقاتی در شأن انسان در گروی خردورزی اوست با ازدواج هایی که بر پایه خرد نباشد یا با نابخردان انجام گیرد، بخشی از آن توفیقات سلب می شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد ازدواج با احمق و نابخرد فرمود: «از ازدواج با زن بی خرد بپرهیز که هم نشینی با او تباهی عمر است و فرزندش ستم کار می شود».(۱)

نابخردی تنها به ناتوانی ذهنی و عقلی نیست، بلکه هر که از عقل و خردش استفاده نکند و به فرمان های آن جامه عمل نپوشاند، نابخرد خواهد بود، هرچند از بهره هوشی و فهمی بالا برخوردار باشد. بنابراین، هر عملی که براساس فکر و اندیشه نباشد، می تواند زندگی مشترک را ناموفق سازد. بی خردی می تواند مصداق های فراوانی در زندگی خانوادگی داشته باشد.

چهار ـ بی توجهی به وظایف

چهار ـ بی توجهی به وظایف

هر یک از اعضای خانواده در برابر دیگران وظیفه و مسئولیت های ویژه ای دارند که در صورت بی توجهی به آنها بخشی از سلامت خانواده با بحران روبه رو می شود. در نظام خانوادگی اسلامی حقوق زن و مرد متقابل است(۲) و زن سالاری مطلق یا مردسالاری خودکامه مردود خوانده می شود. در قرآن کریم می خوانیم: «وَ لَهُنّ مِثْلُ الّذی عَلَیْهِنّ بِالْمَعْرُوفِ؛ و مانند همان [وظایفی] که بر عهده زنان است، به طور شایسته به نفع آنان [بر عهده مردان] است». (بقره: ۲۲۸)

۱- «ایّاکُمْ و تَزوُّجِ الحَمقاء فَانَّ صُحْبَتَها ضیاعٌ وَ وَلَدها ضِباعُ.» بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۳۲.

۲- نک: تحف العقول، ص ۲۶۸؛ رساله حقوق امام سجاد(ع)، بند ۱۹.

از حقوق واجب بر مرد خانواده، تأمین مسکن و هزینه های لازم زندگی است. بیکاری و هرگونه سستی در این وظیفه می تواند زندگی مشترک و یا حتی اصل ازدواج را ناموفق و به بن بست برساند؛ چراکه زن در این صورت مجبور به طلاق و یا پذیرش سرباری دیگران یا روی آوردن به شغل که وظیفه مرد بود، می شود و بدتر اینکه برای تأمین هزینه ها به مفاسد گوناگون اخلاقی و اجتماعی دست می زند که هر یک از این امور به گونه ای آسایش، اخلاق و ارتباط صمیمی و در یک کلام موفقیت خانوادگی را بر هم می زند.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ يَعُولُ؛ کسی که حق عائله خود را ضایع کند، مورد لعنت خداست، مورد لعنت خداست».(۱)

لعنت به معنای طرد و دورسازی از مسیر رحمت الهی است که در آخرت به صورت عذاب ظاهر می شود و در دنیا با قطع رحمت و توفیق الهی.(۲) با توجه به معنای لغوی واژه، معنای روایت بالا ـ کاملاً ـ روشن می شود؛ زیرا پای مال کردن حق خانواده را از عوامل ملعون شدن یعنی ناموفق بودن و محروم شدن از رحمت الهی معرفی می کند.

احترام به معنای نگه داشتن حریم، از وظایف مرد و زن و به ویژه مرد است. زمانی که حریم افراد شکسته شود، در واقع به شخصیت ایشان خدشه وارد شده است و سلامت روحی ـ روانی و اخلاقی آنها به خطر می افتد. خانواده ای که احترام را محور ارتباط خود قرار ندهد، از توفیقاتی مانند دل گرمی، رشد و تحکیم شخصیت محروم می شود. زن نیز در برابر مرد، وظایفی خاص چون اطاعت پذیری محدود،(۳) اجازه برای بیرون رفتن از خانه و تصرف را بر عهده دارد.

۱- اصول کافی، ج ۴، ص ۱۲.

۲- المفردات فی غریب کلمات القرآن الکریم، ص ۷۴۱.

۳- نک: نظام خانواده در اسلام، ص ۳۷۶.

کتاب نامه

کتاب نامه

* قرآن کریم

*نهج البلاغه

۱.ابن ابی الحدید، ابوحامد عزالدین، شرح نهج البلاغه، تحقیق: ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ه_ .ق.

۲.ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ه_ .ق.

۳.اسماعیلی یزدی، عباس، فرهنگ تربیت، قم، انتشارات مسجد جمکران، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۴.افروز، غلام علی، روش های پرورش احساس مذهبی نماز در کودکان و نوجوانان، تهران، انجمن اولیا و مربیان، چاپ اول، ۱۳۷۱.

۵.انصاریان، حسین، نظام خانواده در اسلام، قم، امّ ابیها، چاپ چهارم، ۱۳۷۵.

۶.باقی زاده، رضا، برگی از دفتر آفتاب، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی، مشهور، چاپ ششم، ۱۳۸۰.

۷.تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول.

۸.حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، ترجمه: علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۶.

۹.حسینی شیرازی، سید محمد، تقریب القرآن الی الاذهان، بیروت، دارالعلوم، چاپ اول، ۱۴۲۴ه_ . ق.

۱۰.خوش طینت متین، آمنه، گزیده ای از کلام و اندیشه امام خمینی(ره)، تهران، نشر عروج، چاپ سوم، ۱۳۸۵.

۱۱.راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب کلمات القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، دمشق، دار العلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ه_ .ق.

۱۲.سبزواری، محمد، جامع الاخبار او معارج الیقین فی اصول الدین، قم، مؤسسه آل البیت(ع)، چاپ اول، ۱۴۱۴ه_ .ق.

۱۳.سعدی، مصلح بن عبدالله، کلیات سعدی، تحقیق: محمدعلی فروغی، تهران، امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۶۵.

۱۴.سهراب پور، همت، آثار گناهان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هشتم، ۱۳۷۸.

۱۵.سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه: سید جعفر شهیدی، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۰.

۱۶.شریعتمداری، علی، روان شناسی تربیتی، تهران، امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۶۹.

۱۷.شیرازی، سید حسن، سخن خدا، ترجمه: ذکرالله احمدی، تهران، خزر، چاپ دوم، ۱۳۶۳.

۱۸.صائب تبریزی، کلیات اشعار، تحقیق: محمد عباسی، تهران، جواهری، چاپ دوم، ۱۳۷۴.

۱۹.صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، علل الشرایع، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، بی تا.

۲۰.________________________، معانی الاخبار، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۱.

۲۱.________________________، من لایحضره الفقیه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ، چاپ پنجم، ۱۳۹۰ه_ .ق.

۲۲.طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ه_ .ق.

۲۳.________________________، روابط اجتماعی در اسلام، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۲۴.طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲.

۲۵.عاملی، محمد بن مکی (شهید اول)، الدره الباهره من الاصداف الطاهره، تحقیق: داود صابری، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵.

۲۶.عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ه_ .ق.

۲۷.فیض کاشانی، ملا محسن، محجه البیضاء، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، بی تا.

۲۸.قادری، محمد، آینه نظم، قم، میراث ماندگار، چاپ اول، ۱۳۸۴.

۲۹.قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، چاپ هفتم، ۱۳۸۲.

۳۰.کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، اصول الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۸۸ه_ .ق.

۳۱.متقی هندی، علاءالدین علی، کنز العمّال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مکتبه التراث الاسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۹ه_ .ق.

۳۲.مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ه_ .ق.

۳۳.محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث، چاپ چهارم، ۱۳۸۳.

۳۴.محمدی نیا، اسدالله، بهشت جوانان، قم، سبط اکبر، چاپ دهم، ۱۳۸۴.

۳۵.مدرسی، سید محمدتقی، تفسیر من هدی القرآن، تهران، دارمحبی الحسین(ع)، چاپ اول، ۱۴۱۹ه_ .ق.

۳۶.مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، بی نا، ۱۳۶۰.

۳۷.______________________ ، تفسیر روشن، تهران، نشر کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۳۸.مطهری، مرتضی، علل گرایش به مادیگری، قم، صدرا، چاپ هشتم، ۱۳۵۷.

۳۹.معلوف، لویس، المنجد فی اللغه، قم، نشر بلاغت، چاپ سوم، ۱۳۷۶.

۴۰.مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴.

۴۱.موسوی خمینی، سید روح الله، شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، چاپ ششم، ۱۳۷۴.

۴۲.________________، کلمات قصار، تهران، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، چاپ اول، ۱۳۷۲.

۴۳.میبدی، رشیدالدین، کشف الاسرار و عدّه الابرار، تهران، امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۱.

۴۴.میریان، احمد، پدر مهربان، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، چاپ اول، ۱۳۸۴.

۴۵.نبوی، محمدحسن، مدیریت اسلامی، قم، بوستان کتاب، چاپ یازدهم، ۱۳۸۶.

۴۶.نراقی، احمد، معراج السعاده، قم، هجرت، چاپ سوم، ۱۳۷۵.

۴۷.نگارش، حمید و علی باقی نصرآبادی، رمز موفقیت استاد مطهری، قم، نشر خرم، چاپ سوم، ۱۳۷۹.

۴۸.نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، آل البیت(ع)، چاپ اول، ۱۴۰۸ ه_ .ق.

۴۹.وحشی بافقی، دیوان اشعار، ویراسته: حسین نخعی، تهران، امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۵۳.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹